

The conceptual formulation of middle circles based on the experience of the Islamic Republic of Iran

Sina Rabiei¹ | Mahdi Siavashi²

Abstract

The continuation of transformation in the structure of the nation state in the second step of the Islamic Revolution, based on the experiences of the first step, is one of the basic requirements of the civilizational path of the Islamic Revolution. This structural transformation is worthy of attention because some issues have created serious obstacles to the synergistic relationship between the government and the nation.

The aim of the current research is the "conceptual formulation of the theory of the flow of middle rings" based on the dense experience of the Islamic Republic. The theory proposed by the Supreme Leader of the Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei Madzaleh Al-Ali, as a solution for creating a role for the people in the second step and in the form of a "reasonable and disciplined general movement" with "the focus of committed youth"; The current research is descriptive-analytical. Data collection was done through library and interview and thematic analysis method was used to analyze qualitative data.

The results of the present research show that the flow of middle circles has a long-standing origin in the dense experiences of the Islamic Republic of Iran and is an important factor in creating a general movement in the direction of state building, and the most obvious examples of them are popular mobilization, mosques and delegations, jihadi groups, student organizations and ... Are..

Keywords: General movement, the flow of middle circles, popular governance, the second step of the revolution.

4

Vol. 8
Summer 2022

Research Paper

Received:
21 December 2022

Accepted:
07 May 2023

P.P: 133-178



1 . Master's degree graduate of Imam Hossein University, peace be upon him

sina.irani1375@gmail.com

2 . Assistant Professor, Department of History and Education of the Islamic Revolution, Imam Hossein University



صورت بندی مفهومی جریان حلقه‌های میانی مبتنی بر تجارب جمهوری اسلامی ایران

سینا ربیعی^۱ | مهدی سیاوشی^۲

چکیده

استمرار تحول در ساختار دولت ملت در گام دوم انقلاب اسلامی، مبتنی بر تجربیات گام اول آن، از الزامات اساسی مسیر تمدنی انقلاب اسلامیت است. این تحول ساختاری از آن جهت که در پاره‌ای از مسائل موانعی جدی بر سر رابطه هم افزای دولت و ملت ایجاد شده، محل توجه است.

هدف پژوهش حاضر، «صورت بندی مفهومی نظریه جریان حلقه‌های میانی» مبتنی بر تجربه متراکم جمهوری اسلامی است. نظریه ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی به عنوان راهکار نقش آفرینی مردم در گام دوم و در قالب یک «حرکت عمومی معقول و منضبط» با «محوریت جوانان متعهد» مطرح نموده اند؛ پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و مصاحبه‌ای انجام گرفته است و برای تحلیل داده‌های کیفی نیز از روش تحلیل مضمون استفاده شده است.

نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان می‌دهد، جریان حلقه‌های میانی، دارای اصالتی دیرینه در تجارب متراکم جمهوری اسلامی ایران و عاملی مهم در ایجاد حرکت عمومی در مسیر دولت سازیست و بارزترین مصادیق آن ها بسیج مردمی، مساجد و هیئت‌ها، گروه‌های جهادی، تشکل‌های دانشجویی و ... می‌باشند. **کلید واژه‌ها:** بسیج مردمی، حرکت عمومی، حکمرانی مردمی، جریان حلقه‌های میانی، گام دوم انقلاب.

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران.

Sina.irani1375@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ و معارف انقلاب اسلامی، دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران.

مقدمه

در گام دوم انقلاب بعد از تجربیات گران‌بها، موفقیت‌ها و ضعف و کاستی‌های گام اول انقلاب، به تعبیر رهبری نیازمند تحول اساسی و بازسازی انقلابی در ساختارهای موجود هستیم. ساختارهایی که گاهی مانع جدی بر سر راه بسیاری از ابتکارات و حرکت‌های خودجوش مردمی هستند و مسیر را برای اتفاقات بزرگ و حیاتی بسته‌اند. رسیدن به این تحول، مستلزم مردمی‌سازی حکمرانی و نقش‌آفرینی پیوسته و دائمی مردم است. انسان ایرانی هرگاه توانسته است به شکل جمعی خودش باشد منشأ تحولاتی معجزه‌گون شده است. انسان ایرانی برای همه‌ی ایرانیها حتی آنان که خود را انکار می‌کنند، بسیار مأنوس و محبوب است. یکی از ماجراهای نزدیک آن، ماجرای آتش‌نشانان پلاسکو یا کادر درمان در موضوع کرونا و همراهی و همدلی مردم با آنان است؛ اما این موضوعات ناب و حیاتی کمتر مورد توجه و محاسبه صاحب‌نظران است. مردمی‌سازی انقلاب اسلامی از آن سخن می‌گویند مردمی هستند که در مدار و مراتبی از تولی به ولایت وارد شده‌اند. مجموع این حقایق درباره مردم تجربه‌ای را پدید آورده است که در آن به شکل بارزی اثبات شده است که مردم متولی هر امری بوده‌اند و هر امری به نحو مردمی اداره شده، به شکلی غیرقابل مقایسه با دیگر امور، سامانی مناسب یافته و کمترین هدر رفت سرمایه‌های مادی و غیرمادی در آن پیش آمده و با کمترین هزینه‌ها بالاترین دستاوردها حاصل شده و علاوه بر آن ثمرات دستاوردهای جانبی بسیار نیز از قبل آن نصیب مردم شده است. حضرت امام (ره) نیز در مورد حاکمیت قائل به نظراتی بود که باید نام آن را نظریه «حاکمیت نوین» گذاشت. در این نظریه این کل مردم هستند که باید احساس مسئولیت کنند.

رهبر معظم انقلاب در دیدارهای مختلف طی سال‌های اخیر و همچنین در بیانیه گام دوم انقلاب به ظرفیت مهم نیروی انسانی جوان کشور اشاره نمودند و اینکه ما نتوانستیم از این ظرفیت استفاده نماییم و علاج مشکلات کشور را حضور جوانان در صحنه انقلاب دانستند؛ اما در همه این دیدارها پاسخ یک سؤال داده نشده است که راهکار عملی برای اینکه جوانان وارد میدان شوند و در گام دوم انقلاب نقش‌آفرینی نمایند، چیست؟ در همین راستا مقام معظم رهبری در تاریخ یکم خردادماه سال ۱۳۹۸ به این موضوع اشاره نمودند. ایشان پس از اشاره به عناصر شناختی (شناخت

صحنه، جهت گیری منطقی، عامل امیدبخش، راهکارهای عملی) که نیاز به ذهن فعال و زبان گویا است، به راهکارهای عملیاتی می‌پردازند و بحث جریان حلقه‌های میانی را مطرح می‌نمایند که نقش آن‌ها ارائه راهکار، هدایت و برنامه‌ریزی می‌باشد: «خب این چهارعنصری که گفتیم همه‌ی این‌ها که برای یک حرکت عمومی این چهارعنصر نیاز است، تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا؛ منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون موردنیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکّل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال تر باشد، مؤثرتر است؛ یعنی زمام کار دست کسانی است که فعالیت کنند؛ تبلی و بی‌حالی و کسالت و مانند این‌ها به درد نمی‌خورد».

حال حلقه‌های میانی در چند سال گذشته با فرمان جهاد عمومی، حرکت‌های آتش به اختیار در همه عرصه‌های مرتبط با پیشرفت، وارد مرحله جدیدی از فعالیت خودش شده است که البته این حرکت در گام دوم بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت چشم‌انداز که همان تمدن نوین اسلامی است، محسوس شود. منظور از انضباط طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب یعنی: «حرکت عمومی معقول و منضبط» اگر در گذشته گروه‌های مردمی و اجتماعی باهدف خدمت گروهی از مردم به مردم، بعضاً با رویکردهای کوتاه‌مدت و نگاه موردی به دنبال فعالیت‌های تسکین‌دهنده بوده‌اند اما امروز نیاز است که «حلقه‌های میانی» باهدف شکل‌گیری اراده ملی و نقش‌آفرینی آحاد مردم در اداره جامعه با رویکرد بلندمدت و نگاه جامع با محوریت جوانان

زمینه شکل‌گیری «هسته‌های پیشرفته» را به وجود بیاورند و این هسته‌ها انشاء الله زمینه تحقق مردم‌سالاری دینی که نقطه تمایز و تقابل با تمدن غرب است را محقق کنند.

در سال‌های اخیر نقش‌آفرینی مساجد، هیئت‌ها و مجموعه‌های ارزشی مردمی در حوزه‌های اجتماعی، اقتصاد مقاومتی، کرونا، خدماتی و جهادی بسیار پررنگ‌تر شده و چه‌بسا تولید نظریه جریان حلقه‌های میانی ماحصل ورود گسترده این مجموعه‌های خودجوش مردمی در کنار دیگر نهادهای انقلابی و عمومی بوده است. ظرفیت بالقوه‌ای که همواره از ابتدای انقلاب تاکنون در متن مردم در قالب بسیج و معدود تشکیلات انقلابی وجود داشته و امروز به بارورترین نقطه خود رسیده است. به گونه‌ای که می‌توان این نظریه را سرفصل جدیدی در عرصه حکمرانی انقلاب اسلامی دانست و جریان حلقه‌های میانی را به‌عنوان یک رکن از بازیگران اصلی حکمرانی انقلاب اسلامی تلقی نمود.

سوال اصلی این تحقیق: صورت‌بندی مفهومی جریان حلقه‌های میانی مبتنی بر تجربه جمهوری اسلامی ایران چیست؟ و هدف علمی این تحقیق به صورت تفصیلی تولید علم بومی در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی در مفهوم حکمرانی مردمی با توجه به تجارب موفق جمهوری اسلامی با نقش‌آفرینی جریان حلقه‌های میانی خواهد بود؛ برای دستیابی به این هدف می‌بایست ابتدا صورت‌بندی مفهومی این جریان به صورت دقیق مشخص شود و بعد تجارب جمهوری اسلامی را در این زمینه مورد بررسی قرار داد.

پیشینه پژوهش

با توجه به جدید بودن موضوع، کتب و مقالات بسیار کمی در این زمینه نوشته شده است که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم، در نهایت تفاوت این تحقیق با کارهای انجام شده ذکر خواهد شد.

۱- «کتاب جریان حلقه‌های میانی و نقش آن در تقویت حکمرانی مطلوب انقلاب اسلامی ارائه چارچوبی تحلیلی و تفسیری در اندیشه امام خامنه‌ای مدظله‌العالی» که به همت سینا فریدونی و عارفه تفضلی در سال ۱۳۹۹ به نگارش درآمده است؛ این کتاب به بیشتر به تحلیل نظریه حلقه‌های میانی در دیدگاه معظم له پرداخته است و سعی کرده است در بازه‌های مختلفی زمانی اندیشه مقام معظم رهبری را در این باره مصداقا مورد بررسی قرار دهد.

۲- مجموعه دوجلدی «حکمرانی نوین» که صورت‌بندی دیدگاه جمعی از اندیشه‌ورزان انقلاب اسلامی پیرامون هویت و کارکرد حلقه‌های میانی است و از سوی پژوهشکده تبلیغ و مطالعات اسلامی باقرالعلوم (ع) نگاشته و منتشر شده است. در این اثر دوجلدی موضوعاتی مانند تحول در حکمرانی، دوگانه توسعه و پیشرفت، نظام دولت ملت، نظام امت امامت و مردم‌سالاری دینی، دولت‌سازی اسلامی، مشارکت اجتماعی، عقلانیت راهبری و خلق اراده ملی، مبهم بودن تصویر از دولت در ایده حکمرانی مردم، مردمی‌سازی دولت تنها راه مبارزه با فساد، حلقه‌های میانی ایده گام دومی رهبر انقلاب برای تحول در حکمرانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳- مقاله «جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن‌سازی، با نگاهی به مقوله حزب» که به همت محمدرضا مجیدی و یونس سبزی کریم‌آبادی نگاشته شده است.

در نظام ولایی که پرچم‌دار گفتمان مردم‌سالاری دینی است، مردم هم علت موجد انقلاب و نظام برآمده از آن و هم علت مبقیه‌ی آن دو هستند و حاکمیت اساساً بدون مردم معنا و موضوعیتی ندارد و مردم به‌مثابه ولی‌نعمت، نمی‌توانند هیچ نسبتی با شئون حاکمیتی، مدیریتی، جامعه‌پردازی و بالطبع آرمان بزرگشان که ساخت تمدن نوین اسلامی است، نداشته باشند. این نوشتار درصدد پاسخ به این مسئله است که با چه سازوکار و الگویی می‌توان گسست‌ها و خلأهای میان مردم و حاکمیت را پر کرد و زنجیره‌ی حاکمیت و مردم را در تمام سطوح آن اعم از توده‌ای و نخبگانی به هم متصل کرد، به طرزیکه انسجام اجتماعی و حرکت عمومی که لازمه‌ی قطعی تمدن‌سازی است، به بهترین شکل خود محقق گردد؟ این الگو که از آن به جریان حلقه‌های میانی تعبیر می‌شود، می‌تواند در یک فرایندی کارشناسی شده، از تمهید زیرساخت‌ها گرفته تا آموزش و کادر سازی در سطوح خرد و میانی و کلان ظرفیت‌های مردمی مخصوصاً نسل جوان را به کار گیرد و حلقه‌ی وصل توده‌های مردم و حاکمیت باشد. در همین چهارچوب، با رویکردی آسیب شناسانه، مقوله تحزب و ظرفیت‌های آن به‌مثابه‌ی یکی از مصادیق حلقه‌های میانی مطرح شده است.

۴ - پژوهشی با عنوان «مشارکت مردم اساس توسعه اجتماعی»، توسط اکبریان و فتحی (۱۳۹۱) با روش مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته است؛ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد عدم بهره‌گیری از مشارکت مردمی به‌عنوان عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه می‌باشد. از این رو به استراتژی‌های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به‌عنوان نیاز اصلی بشر تأکید شده است. بر این اساس، انسان‌ها باید به‌عنوان آفرینش‌گران فعال در فرایند تکوین توسعه مشارکت داشته باشند. توسعه واقعی باید حاصل رفتارهای خلاق عاملین انسانی توسعه باشد. مردم باید به‌طور دائمی و در جریان برنامه‌ریزی، تأمین مالی، اجرا و ارزیابی طرح‌های توسعه مشارکت داشته باشند. یکی از قالب‌های مشارکتی مردم در فرایند توسعه اجتماعی، نهادهای غیررسمی می‌باشند.

۵- در پژوهشی دیگر با عنوان «مردم‌سالاری دینی پاسخ بنیادین حکومت دینی»، همایون مصباح (۱۳۸۳) که با روش مطالعه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته در بخش یافته‌ها بیان می‌کند در باب حکومت دو مسئله، بسیار کلیدی به نظر می‌رسد: (۱) چه کسی باید حکومت کند؟ (۲) چگونه باید حکومت بشود؟ (روش حکومت کردن به چه شکل باشد). در اسلام رویکردهای گوناگونی به این دو مسئله شده است که هر کدام ساختار خاص از قدرت سیاسی را در طول تاریخ اسلام عرضه داشته است؛ اما در اسلام حقیقی که در حکومت انبیا و جانشینان راستینشان نمود عینی پیدا کرده است، رویکرد پاسخ گویانه به هر پرسش پررنگ هست. به همین جهت سیستم و روش حکومتی که به تبع آن پاسخ‌ها، بیرون داده شده است، بیشتر متمرکز بر مسئول سازی قدرت سیاسی در تمامی لایه‌هایش هست؛ بنابراین اسلام روش و شیوه‌ی حکومتی را بیرون می‌دهد و از آن حمایت به عمل می‌آورد که قدرت و توانمندی سیاسی و اجتماعی را در تمامی سطوح پاسخ‌گو و مسئول بسازد. از این روی مردم‌سالاری دینی را به مثابه عمده‌ترین سازوکار ممکن جهت تحقق این هدف برمی‌گزیند. او این گونه نتیجه می‌گیرد که؛ پاسخ‌گویی حکومت درگرو تحقق مردم‌سالاری دینی است و عملیاتی شدن این گونه مردم‌سالاری برآمده از تأثیر و تأثر مداوم توانمندی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و نگرش حقوقی به قدرت هست.

تا جایی که فحص و بررسی شد، پژوهش‌هایی که در زمینه حلقه‌های میانی وجود دارد بیشتر به دیدگاه نخبگانی جامعه و مفهوم‌پردازی این جریان پرداختند، اما در زمینه تجربه‌های مترکم جمهوری اسلامی و نسبت آن با حلقه‌های میانی، تمایز و تفاوت آن با جریان‌ات مؤثر دیگر در جامعه و صورت‌بندی دقیق آن مبتنی بر بیانات رهبری، پژوهش عمیقی انجام نشده است. عمده کار این پژوهش بررسی تاریخی مجموعه‌های مردمی خودجوش به عنوان نماد جریان حلقه‌های میانی است که سعی شده با توجه به شاخص‌های این جریان مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش مطالعه در این نوشتار، بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، مفاهیم نظری و بیانات رهبری است. ما در این پژوهش تم‌های اولیه خود را از بیانات رهبری در مورد مجموعه‌های مردمی، جریان حلقه‌های میانی و تجارب موفق جمهوری اسلامی استخراج نمودیم و با استفاده از منابع مطالعاتی، شواهد، بیانات و... آن‌ها را تحلیل نمودیم. در ادامه به‌طور مختصر این روش توضیح داده خواهند شد.

«در تحقیقات توصیفی محقق به دنبال چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند پدیده، متغیر، شیء یا مطلب چگونه است؛ به عبارت دیگر، این تحقیق وضع موجود را بررسی می‌کند و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می‌نماید».

مفاهیم اساسی پژوهش

هر مفهوم و سازه‌ای در بافت خودش مورد تحلیل قرار می‌گیرد، لذا شناخت بافت و ساختار معنایی هر مفهوم و شبکه‌ی مضامین مرتبط با آن ضروری است. در ابتدا به تعاریف مفاهیم مرتبط با جریان حلقه‌های میانی می‌پردازیم و در بخش بعدی نیز مفاهیم نزدیک به این جریان را مورد بررسی قرار خواهیم داد تا تفاوت این مفهوم جدید با دیگر مفاهیم دیگر در علوم سیاسی و اجتماعی مشخص شود.

جامعه مدنی:

«در ادبیات مربوط به جامعه مدنی در ایران دودسته تعریف وجود دارد. در تلقی اول از جامعه مدنی که به عقیده یکی از پژوهشگران تعریف غالب می‌باشد، جامعه مدنی، جامعه‌ای است قانونمند و مبتنی بر قراردادهای اجتماعی، شفاف، حافظ حقوق افراد، مبتنی بر حاکمیت ملی، توزیع‌کننده قدرت در چهارچوب احزاب و شوراها. در این تلقی وقتی اصطلاح جامعه مدنی به کار می‌رود اشاره به کل جامعه است». این تلقی جامعه مدنی را به‌عنوان یک آرمان‌شهر در نظر

می‌گیرد و چون جامعه ایران و جوامع پیرامونی با آن فاصله‌ای بسیار دارند حکم به عدم وجود جامعه مدنی در این جوامع می‌دهند.

«اما تعریف و تلقی دوم از جامعه مدنی که مورد تأیید اغلب پژوهشگران بوده و در ادبیات سیاسی غرب نیز حاکم است و به همین دلیل مورد تأیید نگارنده می‌باشد، جامعه مدنی را فضای حائل میان دولت و خانواده معرفی می‌کند.» «بنابراین جامعه مدنی حوزه‌ای از روابط اجتماعی فارغ از دخالت مستقیم دولت و مرکب از نهادهای عمومی و گروهی است. جامعه مدنی عرصه قدرت اجتماعی است درحالی‌که دولت عرصه قدرت سیاسی و آمرانه است.»

«ارکان جامعه مدنی را نیز تشکلهای و مجموعه‌ها و انجمن‌هایی تشکیل می‌دهند که به‌طور مستقل و بدون اتکاء به دولت تشکیل و اداره می‌گردند؛ بنابراین اجزاء جامعه مدنی را می‌توان رسانه‌های عمومی مستقل، شبکه پررونق شبکه‌های خودجوش در تمام زمینه‌های زندگی از قبیل اتحادیه‌های کارگری، انجمن‌های زنان، انجمن‌های مذهبی و انواع سازمان‌های مردمی دانست.» لذا می‌توان گفت جامعه مدنی عطف به دو بعد از حیات انسانی است. بعد اول، نهادی و بعد دوم کیفی است. از بعد نهادی، جوامع مدنی مشتمل بر خانواده، انجمن‌ها، سازمان‌های مذهبی، جنبش‌های اجتماعی، گروه‌های هویتی - مذهبی، اتحادیه‌های کارگری، اتحادیه‌های شغلی - صنفی و تخصصی و ... است. از بعد کیفی جوامع مدنی معطوف به کیفیت زندگی اجتماعی ما است که شامل: امنیت، مرگ‌ومیر، مدنیت، احترام و به تنوع و گوناگونی و نظم اجتماعی است؛ آنچه مدنظر این موضوع است متمرکز بر بعد اول یعنی بعد نهادی است.

بوروکراسی:

لغت بوروکراسی نخستین بار توسط وینسنت گرومی در سال ۱۷۶۵ وضع شد. این لغت امروز بار معنایی منفی پیدا کرده است. وقتی سخن از بوروکراسی به میان می‌آید، تصور کاغذبازی، معطلی‌ها و سرگردانی‌ها در ادارات، مراحل زائد و بی‌فایده اداری به ذهن تداعی می‌شود درحالی‌که درواقع امر بوروکراسی جزء لازم زندگی مدرن است. بوروکرات‌ها ابزار تحقق خواست‌های مردم به شمار می‌روند و فعالیت سازمان‌های دولتی بدون آن‌ها غیرممکن است.

در دائره‌المعارف علوم اجتماعی، بوروکراسی به نظامی از حکومت اطلاق می‌شود که نظارت بر آن کاملاً در دست مأمورانی است که قدرت آنان، آزادی شهروندان عادی را مورد تعرض قرار می‌دهد و در اصطلاح به معنای دستگاه اداری است که طبق نظام قوانین و مقررات معین، امور جاری مؤسسه را اداره می‌کند (مهرگان و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۳). بوروکراسی به‌عنوان یکی از نهادهای جامعه به نحو مستمر با نظام‌های سیاسی و اقتصادی در تعامل است و منجر به جرح و تعدیل آن‌ها می‌شود (دیانت، ۱۳۹۵: ۱۱۲)، مفهوم بوروکراسی که همواره به قانون استناد می‌کند به‌عنوان یک نظام سازمان‌دهی توسط ماکس وبر (جامعه‌شناس آلمانی) تئوریزه شده است. از دیدگاه وی، مهم‌ترین ویژگی‌های نظام بوروکراتیک، سلسله‌مراتب سخت مبتنی بر قانون، تکیه بر اسناد مکتوب، محدودیت ابتکار افراد در تصمیم‌گیری می‌باشد. بوروکراتها مأموران و نمایندگان قانونی دولت‌اند و از این طریق فعالیت‌های آنان از قبیل برقراری محدودیت‌ها و اقداماتی که در جهت نظارت و حفاظت انجام می‌شود از طرف شهروندان مشروع شناخته می‌شود (گرچی از ندریانی؛ قهرمان زاده نیمکزی، ۱۳۹۵: ۱۱-۱۲). بوروکراسی نماینده‌ای از طریق نظام پارلمانی و قوه مقننه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و خط‌مشی‌گذاری عمومی مؤثر است (الوانی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). یکی از منابع نفوذ اصلی در سازمان‌های اداری که ساختار حکومت و دولت را تعیین می‌کند، عوامل سیاسی از جمله ملاحظات خط‌مشی‌گذاران، قانون‌پذیری و روابط نخبگان سیاسی و بوروکرات‌ها است که بر نظام اداری مؤثر بوده و نظام سازمان‌های دولتی بر آن‌ها اثر می‌گذارند. منبع مهم دیگر، عوامل اقتصادی است؛ نرخ رشد تولید ناخالص ملی، سرمایه موجود، تغییرات ساختار تولید و بازار نیروی کار از جمله عواملی هستند که سازمان‌های دولتی تلاش دارند در آن‌ها تغییر ایجاد نمایند. این عناصر بر سازمان‌ها تأثیرگذار هستند و برای خط‌مشی‌های اقتصادی، فرصت‌هایی پدید می‌آورند یا در مسیر آن‌ها موانعی ایجاد می‌کنند (مرتضوی؛ مالکی، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۴). به عقیده برخی، دانش و اطلاعات در حوزه فناوری، منبع اصلی دولت بوروکراتیک است که ضرورت آن در تولید کالا و خدمات از طریق توسعه فناوری و روش‌های اقتصادی احساس می‌شود. (سرپا؛ فریرا، ۲۰۱۹: ۱۳)

احزاب:

از اصطلاح حزب سیاسی برای اولین بار ادموند برک استفاده کرد. قبل از آن اصطلاح حزب سیاسی، لیگ نامیده می‌شد. به کارگیری این اصطلاح (حزب سیاسی) به دلایلی انجام گرفت که مختصری به آن می‌پردازیم. جورج سوم پادشاه وقت انگلستان از توفیق حزب بورژوازی و قدرت رهبر آن حزب، چارلز راکینگهام که در رأس قدرت سازمانی آن کشور به‌عنوان نخست‌وزیر قرار داشت دست به تعطیلی حزب و تغییر نخست‌وزیر و مداخله در انتخابات زد. مداخله پادشاه که چند بار نیز تکرار شد وضع سیاسی - اجتماعی انگلستان را به آشفتگی کشاند، در این شرایط ادموند برک نامه‌ای خطاب به پادشاه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار لندن منتشر کرد و در آن نامه توجه شاه را به فواید حزب و منع مداخله وی در اموری که به او ارتباط نداشت جلب کرد. (پیشه‌ور، ۱۳۷۶: ۲۷۳) در همین نامه بود که برک اولین بار اصطلاح حزب سیاسی را به کار گرفت (۱۷۶۵) و در همین سال این اصطلاح به نظر سیاستمداران و صاحب‌نظران علم سیاست رسید و در حقیقت آن‌ها را از این اصطلاح خوش آمد و بعد از آن در همه نوشته‌ها از حزب با همین اصطلاح یاد شد. (پیشه‌ور، ۱۳۷۶: ۲۷۵)

تعریف‌های گوناگونی از حزب شده است که برخی ناظر به کار ویژه حزب هستند و برخی هم به انگیزه شکل‌گیری حزب توجه نموده‌اند. به‌عنوان نمونه، حزب سیاسی را چنین تعریف می‌کند: هیئتی از مردم است که به خاطر پیشبرد منافع ملی با کوشش بر اساس برخی اصول سیاسی مورد توافق، متحد شده‌اند. (عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۳۴۳). در تعریف دیگر حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم‌وبیش سازمان‌یافته است که به‌عنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رأی خود می‌خواهند بر حکومت تسلط پیدا کنند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند. (عبدالرحمن، ۱۳۷۵: ۳۴۳)

گروه‌های ذی نفوذ داخلی:

اصطلاح گروه ذی نفوذ که با عنوان «گروه فشار» نیز معرفی می‌شود، ابتدا در ایالت متحده آمریکا طرح شد و برای مطالعه تأثیر سازمان‌ها و انجمن‌های خصوصی بر دولت استفاده شد (دوورژه، ۱۳۷۶:۳۶۴). درباره کارکرد گروه‌های ذی نفوذ، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی معتقدند این گروه‌ها یکی از مجاری بیان خواسته‌ها و منافع و تبدیل آن‌ها به سیاست هستند در حالی که عده‌ای دیگر وجود و توسعه نفوذ آن‌ها را ناشی از فشار حکومت‌های دموکراتیک می‌دانند (قوم، ۱۳۹۲: ۱۹۳). دیوید ترومن در اثر خود با عنوان فرآیند حکومتی معتقد است که «گروه ذی نفوذ (فشار) یک گروه دارای سهم و منافع است که به وسیله عمل از طریق مؤسسات حکومتی، ادعاهای مشخصی را نسبت به دیگر گروه‌ها در جامعه مطرح می‌سازد» (داور پناه، ۲۰۰۹، ص ۳۰). زیگلر نیز بر این عقیده است که گروه ذی نفوذ، «توده‌ای سازمان‌یافته و در تلاش برای نفوذ بر تصمیمات حکومتی است بی آنکه بکوشد اعضای خود را در مقامات رسمی حکومت قرار دهد» (عالم، ۱۳۹۰: ۳۵۸-۳۵۹) یعنی اهداف گروه‌های ذی نفوذ، تحصیل قدرت سیاسی نیست؛ بلکه خواستار تغییر مسیر سیاست حکومت یا تقویت آن بدون کسب قدرت هستند به عبارتی، این گروه‌ها در پی اثرگذاری بر زمامداران هستند، نه آنکه افراد خود را در رأس قدرت جای دهند (دوورژه، ۱۳۷۶: ۱۵۲) انتخابات از عرصه‌های مورد توجه گروه‌های ذی نفوذ است؛ زیرا از این طریق می‌توانند افراد مورد نظر را انتخاب و توسط آن‌ها بر کارگزاری‌های مکانیسم حکومت نفوذ داشته باشند این گروه‌ها در سطوح گوناگون انتخاباتی، در معرفی نامزدها، فعالیت برای جمع‌آوری آراء و مبارزه انتخاباتی از افراد مورد نظر خود دفاع می‌کنند و می‌خواهند کرسی قوه مقننه را برای آن‌ها به دست آورند بنابراین، می‌توان گفت گروه‌های ذی نفوذ، واسطه‌ای هستند که دارندگان منافع مشترک می‌کوشند از طریق آن‌ها بر جریان عمومی تأثیر بگذارند (عالم، ۱۳۹۰: ۳۵۹-۳۶۱).

مردم‌سالاری دینی:

مردم‌سالاری دینی شیوه‌ای از حکومت‌داری در کشورهای اسلامی است که شهروندان دین‌باور در چارچوب آموزه‌های شریعت، مشارکتی فعال در زندگی سیاسی دارند و از هرگونه استبداد فردی در تصمیم‌گیری‌های عمومی اجتناب می‌کنند. الهی بودن ذات حاکمیت و واگذاری حاکمیت از طرف خدا به مردم را دو عنصر اصلی این نوع حکومت دانسته‌اند. مردم‌سالاری دینی پس از انقلاب اسلامی ایران از نشان‌های اصلی جریان اسلام‌گرایی سیاسی و از مصادیق چالش مدرنیسم و سنت معرفی شد. اندیشمندان اسلامی برای توضیح مردم‌سالاری دینی، الگوها و روایت‌های متفاوتی از آن ارائه داده‌اند: مردم‌سالاری دینی مکتبی در قالب دیدگاه‌های جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری فردی، مردم‌سالاری دینی ابزاری و مردم‌سالاری دینی قانونی برای اصلاح ایده جمهوری اسلامی ایران از جمله این روایت‌ها است. برای مردم‌سالاری دینی مبانی‌ای چون جانشینی انسان از طرف خدا در زمین، اداره جامعه بر اساس مشورت و شورا، مشروعیت قانون‌گذاری انسان در حوزه اموری غیر منصوص (منطقه‌الفراغ) و بیعت معرفی شده است. این نوع حکومت دارای ویژگی‌هایی چون مشروعیت الهی-مردمی، حاکمیت قانون، نظارت عمومی دائمی بر رفتار کارگزاران حکومتی و اداره امور حکومتی بر اساس رأی مردم است. از مردم‌سالاری دینی به‌عنوان بدیلی امنیت‌آفرین در برابر سکولاریسم، راهکاری برای خروج جهان اسلام از افراط‌گرایی و سلفیسم و همچنین پاسخی به مطالبات تاریخی مردم ایران در جمع میان دین و شاخص‌های دموکراسی از زمان انقلاب مشروطه یاد شده است. (تلخیصی از مصباح یزدی و نوروزی، ۱۳۹۱، ص ۵۲-۵۳).

گروه‌های جهادی:

هرگونه فعالیت جمعی که باهدف‌گیری والا و سخت‌کوشی و مبارزه با موانع در جهت پیشرفت و سازندگی و خدمت به محرومین باشد فعالیت جهادی است. این حرکت که عمدتاً از روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی شروع شد و در دهه‌ی ۷۰ توسعه یافت و تاکنون در حال رشد کمی و کیفی است، یکی از مصادیق حلقه‌های میانی است.

مقام معظم رهبری در مورد جهاد می‌فرماید: که جهاد آن عرض عریض و آن عمل شامل و عام و نافع تمام ناشدنی است که در انواع و اشکال مختلف در عرصه‌های مختلف تحقق پیدا می‌کند. اگر مدیریت را مترادف تصمیم‌گیری بگیریم، می‌شود تصمیم‌گیری جهادی. اگر مدیریت را مترادف توانایی کار کردن از طریق دیگران بدانیم، آنگاه مدیریت جهادی می‌شود. ویژگی مدیر جهادی این است که احساس تکلیف می‌کند و خودش را متعهد می‌بیند و همچنین ویژگی او این است که خودش را هدفمند می‌بیند. مدیر جهادی خطرپذیر است و اهل ورود به میدان‌های نو و دست‌نخورده است و ویژگی مجاهد و مدیر جهادی این است که رفتارش مستمر، همه‌جانبه، هوشمندانه و مخلصانه است. (لطیفی، ۱۳۹۵).

به‌طور خلاصه، مدیریت جهادی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: مدیریت جهادی تلاش و همت فزاینده همراه با تخصص، خلاقیت، برنامه‌ریزی و آینده‌نگری با در نظر داشتن ارزش‌های دینی و توکل بر خداوند برای دستیابی به اهداف مادی و معنوی سازمان و جامعه است (زارعی محمدآبادی و شاکر اردکانی، ۱۳۹۷). رهبر معظم انقلاب، مدیریت جهادی را نوعی روحیه و فرهنگ مبارزه‌جویی و کنشگری آگاهانه، معنا و تفسیر می‌کنند؛ معنایی که در فرهنگ اسلامی _ ملی ما مصداق‌های فراوانی برای آن می‌توان برشمرد. بنا به تعبیر مقام معظم رهبری «اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور در شرایط کنونی فشارهای خباثت‌آمیز قدرت‌های جهانی، قابل حل است و کشور حرکت روبه‌جلو را ادامه خواهد داد.»

گروه‌های مردم‌نهاد:

در یک تعریف عمومی، سازمان‌های غیردولتی به آن دسته از گروه‌های غیرانتفاعی گفته می‌شود که «نوعاً بر اساس ارزش‌ها پایه‌گذاری شده و مستقل از دولت عمل می‌نمایند که قسماً و یا تماماً وابسته به کمک‌های مالی و خدمات افراد داوطلب می‌باشند» (امیرکواسمی ۱۳۸۸:۱۷۸)

«خودجوشی و نیاز طبیعی، هدف و تعهد مشترک، قانونمندی، برنامه و فعالیت مشخص، جلب مشارکت و عضویت، هویت و شخصیت مستقل، مشارکت و مسئولیت پذیری» (موسوی، ۱۳۹۱:۱۳۳) ویژگی‌های دیگری است که در کنار ارادی بودن عضویت، داوطلبانه بودن فعالیت در آن‌ها، غیرانتفاعی بودن، مجاب سازی به عنوان اصل محوری تنظیم روابط (سفیری، ۱۳۷۸:۱۵۲) به عنوان مشخصه‌های سمن‌ها ذکر شده است. بنیاد دست‌های مهربان و موسسه محک نیز نمونه‌ای از این گروه‌های مردم‌نهاد موفق در ایران هستند.

با این وجود انواع سازمان‌های مردم‌نهاد بر اساس موضوعات فعالیت مورد شناسایی قرار می‌گیرد: سازمان‌های غیردولتی امدادگر، توسعه‌ای، حقوق بشری، حمایتی و آموزشی؛ انجمن‌های حرفه‌ای، سازمان‌های بازرگانی، اتحادیه‌های کارگری؛ سازمان‌ها و گروه‌های زنان؛ تعاونی‌ها و گروه‌های اقتصادی خودیار با قدرت قانونی؛ گروه‌های فرهنگی، ورزشی و تفریحی؛ انجمن‌های قومی، قبیله‌ای یا نژادی؛ نهادهای علمی و تحقیقاتی؛ سازمان‌های مذهبی. (صالحی امین، ۱۳۸۰:۳۱)

بسیج مستضعفین:

به عنوان یک روحیه و مکتبی که حاکی است از پیش‌قراولی و حضور در میدان‌های موردنیاز انقلاب اسلامی که نه تنها در بعد امنیتی و دفاعی منحصر نمی‌شود، در تمام میدان‌ها علمی، سازندگی، سیاسی و ... حضور می‌یابد. با توجه به فراگیر بودن و نظام عضوگیری آن و رویکرد آحادی آن از طرفی و ارتباط و اتصال آن با حاکمیت و مردم از طرف دیگر، یک حد واسطی دارد که می‌توان این مقوله را هم از مصادیق حلقه‌های میانی دانست.

حلقه‌های میانی از حیث گوناگونی می‌توانند در تمام ساحت‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، امنیتی اقتصادی، علمی و هنری در مقیاس داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی کنش‌گری فعال داشته باشند. در بیان رهبر فرزانه انقلاب، چند نمونه از کارکردهای حلقه‌های میانی در قالب کارگروه‌های مختلفی مطرح شده است. که البته منحصر در آن‌ها نیست. هر کدام از گونه‌ها و مصادیق حلقه‌های میانی می‌توانند این کارکردها را داشته باشند. البته به شرطی که مسئله محور و با رویکرد حل مسئله کار را پیش ببرند.

تشکل‌های دانشجویی:

تشکل از نظر لغوی به معنای صورت گرفتن چیزی است و از نظر اصطلاحی به معنای تشکیلاتی است که توسط یک گروه اشخاص حقیقی معتقد به آرمان‌ها و مشی سیاسی معین، تأسیس شده است. تشکل‌های اسلامی دانشجویان، اصلی‌ترین شاخه‌ی فعالیت‌های دانشجویی به شمار می‌آید؛ به‌ویژه هم‌زمان با اوج‌گیری نهضت و پس از پیروزی آن، نقش مضاعف یافته و بار اصلی فعالیت‌های علنی دانشجویی را بر دوش داشته است.

مقام معظم رهبری، بارها از این نقش اساسی یاد کرده‌اند و به تحلیل و تبیین حرمت آن پرداخته‌اند و از منظرها و زاویه‌های مختلف، بر ضرورت استمرار فعالیت تشکل‌های اسلامی تأکید داشته‌اند؛ از جمله می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱) تبلور نقش هدایتگری نسل دانشجو: حرکت‌های انفرادی دانشجویی، نمی‌تواند چندان نقش چشمگیری را در هدایت اجتماعی داشته باشد. آحاد دانشجویان، در محیط‌های کوچک ارتباطی خود می‌توانند تأثیر گذاری کنند؛ اما وقتی که دامنه‌ی تأثیر را افزون‌تر و گسترده‌تر بطلبند، چاره‌ای جز تشکل‌های اسلامی دانشجویی باقی نمی‌ماند. این گونه تشکل‌ها هستند که قادر خواهند بود اندیشه‌ها و اراده‌های فردی را در درون یک مجموعه‌ی دانشجویی تمرکز بخشند و نقش هدایتگری نسل دانشجو را مؤثرتر و بارزتر سازند.

«در زمینه‌ی حرکت سیاسی و انقلابی، شما وظیفه‌ی هدایت را هم به عهده‌دارید...؛ به خاطر این که شما امکان بیشتری دارید... اما آنچه می‌تواند مظهر این حرکت هدایت آمیز و مظهر این فداکاری و این کار فوق‌العاده و این اضافه‌ی کار باشد، انجمن‌های اسلامی هستند.»

۲) ضامن حفظ و پویایی انقلاب: تشکل‌های اسلامی در سطح جامعه و به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی، بازوی پرتوان نهضت اسلامی در شرایط سخت و عسرت انقلاب بوده و هستند. در روزگار سنگربندی‌های حزبی در محیط دانشگاهی، در دوره‌ی جنگ و جهاد و پس از آن، همواره پشتوانه‌ی اساسی برای نظام و انقلاب بوده‌اند.

«انجمن‌های اسلامی، نه فقط در دانشگاه‌ها، بلکه در کل ارگان‌ها، یکی از برنده‌ترین سلاح‌های انقلاب هستند... این سلاح، سلاح بسیار برنده‌ای است.»

حلقه‌های میانی:

یک‌صد روز پس از اعلام بیانیه گام دوم انقلاب توسط حضرت امام خامنه‌ای، ایشان در اول خرداد ۱۳۹۸، در جمع دانشجویان در ماه مبارک رمضان فلسفه صدور بیانیه را بیان کردند؛ «ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز (تمدن نوین اسلامی) نیاز داریم... این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط و سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکت‌اند. این‌ها هستند که اگر متعهد باشند می‌توانند در نظام مدیریت کشور یک تحول عظیمی را به وجود بیاورند.»

ایشان در ادامه برای اولین بار از اصطلاح «حلقه‌های میانی» استفاده کردند و مسئولیت ایجاد حرکت عمومی در گام دوم را بر عهده این حلقه‌ها تبیین کرده‌اند. این مفهوم‌پردازی در پاسخ به سؤالی مطرح شده که لازمی روی کار آمدن دولت جوان حزب‌اللهی است و به‌عنوان یک راهکار عملی برای وارد کردن جوانان در عرصه‌ی مدیریت کشور طرح شده است، در واقع طی یک فرایند و در یک بازه‌ی میان‌مدت باید مبادرت به کادر سازی شود و این رسالت حلقه‌های میانی است. با عنایت به این بیان، می‌توان حلقه‌های میانی را این‌گونه تعریف کرد: آن مجموعه‌هایی که واجد ذهن فعال و زبان گویا و دارای تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه، برای ایجاد برنامه‌ی عملیاتی و پیدا کردن و ارائه‌ی راهکار و همچنین به‌عنوان هادی و پیشران ملت در حرکت عمومی به سمت تمدن سازی اسلامی ایفای نقش می‌کنند، حلقه‌های میانی نام دارند.

نتیجه‌گیری:

در بررسی انجام شده میان مفاهیم ذکر شده به این نتیجه رسیدیم مجموعه‌هایی که بیشتر به‌عنوان یک واسط میان حاکمیت و مردم نقش ایفا کرده و خود نیز از جنس مردم (خودجوش) و سازمان یافته هستند و حکمرانی خدمت محور را انتخاب کرده‌اند به مفهوم حلقه‌های میانی نزدیک تر هستند.

مصادیق موفق جریان حلقه‌های میانی در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبتنی بر تجارب جمهوری اسلامی ایران

با توجه به اینکه مفهوم حلقه‌های میانی از مفاهیم بدیعی است که تنها یک‌بار توسط امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در دیدار با دانشجویان مورخ ۱۳۹۸/۳/۱ مطرح گردید، با بازخوانی مکرر سخنرانی مذکور، ویژگی‌ها و مفاهیم سازنده جریان‌های حلقه‌های میانی به‌عنوان مفاهیم سازنده جریان حلقه‌های میانی استحصاء گردید.

الف) عدم وابستگی به نهادهای دولتی یا حاکمیتی ب) مردمی بودن ج) حضور نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون و جوانان

در باب احصاء مصادیق، توجه به این نکته حائز اهمیت است که جریان حلقه‌های میانی، علی‌رغم بدیع بودن واژه گفتمانی آن، یک جریان زنده و موجود در میان مجموعه‌های مردمی است. این نکته از دل بیانات معظم له قابل برداشت است: «ما به یک حرکت عمومی به سمت آن چشم‌انداز نیاز داریم؛ باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد؛ البته این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است؛ جوان‌های متعهد، محور این حرکت‌اند... این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است؛ که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون موردنیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم؛ تشکل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند» حال با توجه شناخت مفاهیم سازنده و برخی مصادیق عینی حلقه‌های میانی در ادامه این بحث، می‌توان به معنا و مفهوم هریک از مصادیق پرداخت.

تشکل بسیج دانشجویی

یکی از تشکل‌های جنبش دانشجویی که در دهه اول انقلاب اسلامی شکل گرفته و تا به امروز به عنوان خط مقدم تشکل‌های دانشجویی در خدمت به آرمان‌ها شناخته می‌شود، تشکل‌های بسیج دانشجویی است. نقطه تمایز و برجسته‌ای که در تشکل‌های بسیج دانشجویی در تفاوت با سایر تشکل‌ها ملموس است، تجمیع دو رکن اساسی بسیج و دانشجو بودن است. از همین روی فهم عمیق نسبت به سازوکار مفهومی این تشکل، دستیابی به چارچوب جامع جریان حلقه‌های میانی را تسهیل خواهد کرد. «بسیج دانشجویی یعنی آن حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی نسل جوان دانشجو. این معنای بسیج دانشجویی است. اگر نسل جوان دانشجو بخواهد یک حرکت مؤمنانه‌ی انقلابی انجام دهد، معنایش بسیج شدن این قشر در راه خداست. البته امروز جنگ نداریم؛ لذا این بسیج، ماهیت و هویت نظامی پیدا نمی‌کند.» ممکن است این ابهام یا سؤال مطرح شود که اتصال تشکل‌های بسیج دانشجویی به مجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک نهاد حاکمیتی، در تعارض با تعریف اولیه این جریان که عدم وابستگی به هر نهاد دولتی یا حاکمیتی است، نخواهد بود؟ برای حل این سؤال می‌بایست ابتدا نوع سازوکار این اتصال مشخص شود. «در مورد بسیج، این مطلبی را که بعضی از این عزیزان من هم به آن اشاره کردند، یک قدری باز کنم. بسیج یک تشکل دوبعدی است: یک اتصال به محیط دانشجویی و دانشگاه و یک اتصال به سپاه دارد. سپاه چیست؟ آیا سپاه صرفاً یک سازمان نظامی است؟ نه سپاه نماد مقاومت انقلابی و شجاعانه است؛ این هرگز فراموشتان نشود. شما خیال نکنید که سپاه صرفاً یک سازمان نظامی است؛ آن وقت یک عده هم بیایند بگویند: سپاه یک سازمان نظامی است، ما که نظامی نیستیم! نه سپاه فراتر از یک سازمان نظامی است. پس شما از یک بُعد به دانشگاه و محیط دانشجویی و درس و علم و بحث و تحقیق و از یک بُعد به مجموعه‌ی سپاه وصل هستید؛ این یک خصوصیت ویژه است. حالا با این دو بُعد، شما سپاهی هستید یا دانشجو و تشکل دانشجویی؟! این سؤال مهمی است. پاسخ این است که نه شما نظامی نیستید؛ شما دانشجو و یک تشکل دانشجویی هستید؛ منتها یک تشکل دانشجویی که به نقطه‌ی مطمئنی - که عبارت است از همان نماد مقاومت - تکیه دارد؛ البته این تکیه‌گاه، تحرک او را محدود نمی‌کند، دست و پای او را نمی‌بندد، کار علمی او را محدود نمی‌کند، هویت او را نظامی نمی‌کند، اما به او ذخیره‌ای از دستاورد تجربه‌ی جهادی و انضباط ناشی از

این تجربه می‌بخشد؛ این به نفع تشکل دانشجویی است: از خیرش استفاده می‌کنید، اما نظامی هم نمی‌شوید». بنابراین آنچه در اتصال تشکل بسیج دانشجویی نسبت به سپاه روشن می‌شود، از نوع وابستگی نیست بلکه از نوع تکیه‌گاهی مملو از دستاورد تجربه‌های جهادی و انضباط ناشی از این تجارب است؛ که این تجربه‌ها و انضباط نیز منجر با پایداری و پیشرفت تشکل مذکور در مقایسه با سایر تشکل‌ها شده است.

بسیج

«شاید بتوان گفت که بسیج بزرگ‌ترین شبکه‌ی فرهنگی و اجتماعی و نظامی در همه‌ی دنیا است؛ بنده در هیچ نقطه‌ای از نقاط عالم، یک شبکه‌ی عظیم مردمی با این وسعت، با این تعداد جمعیت سراغ ندارم؛ این منحصر به بسیج مستضعفین است در کشورمان؛ این بزرگ‌ترین شبکه است. آن وقت امام بزرگوار این پدیده‌ی بی‌نظیر را چه جور ایجاد کرد؟ شماها امام را ندیدید، [ولی] ما سال‌ها با امام زندگی کردیم؛ هنر امام بزرگوار این بود که این پدیده‌ی بی‌نظیر را از دل کوچه‌پس‌کوچه‌های شهرهای کشور به وجود آورد و این پدیده را شکل داد؛ این حقیقت زیبا و مجسم، از متن مردم جوشید؛ از دل مردم، از میان خانه‌های مردم جوشید؛ این کار امام بود.» از جمله پدیده‌های نوشتار حاضر، جای‌گذاری مجموعه بسیج، تحت عنوان جریان حلقه‌های میانی است. در واقع تشکیلات بسیج تنها تشکیلات وابسته به دستگاه‌های حاکمیتی است که جز مصادیق حلقه‌های میانی قرار می‌گیرد. علت این امر، معنا و مفاهیمی است که رهبر معظم انقلاب نسبت به این مجموعه تعریف نمودند: «معنای بسیج حضور متن مردم در عرصه‌های فعالیت‌های اساسی برای ملت و کشور است. هر دولتی و هر کشوری وقتی مردم را داشته باشد، هر جایی که متن مردم حضور پیدا کنند و مردم حرکت بکنند به یک سمتی، پیروزی قطعی است؛ [این] یک چیز مسلم است. آنجایی کشورها ضربه می‌خورند، شکست می‌خورند که مردمشان در صحنه نباشند یا وحدت عمل نداشته باشند. آنجایی که مردم در صحنه‌اند و پیوند و اتحاد میان آحاد مردم هست، پیروزی و پیشروی قطعی است. بسیج یک چنین نمونه‌ای است؛ مظهری است از همین حضور مردمی در صحنه و پیوند مردم با یکدیگر؛ به این چشم به بسیج باید نگاه کرد».

این تعریف نشان‌دهنده این امر است که هر چند تشکیلات بسیج در ذیل مجموعه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تعریف می‌شود، لکن معنای حقیقی آن حضور متن مردم در عرصه‌های مختلف برای ملت و کشور می‌باشد که این امر هم‌پوشانی دو نکته را با حلقه‌های میانی گوشزد می‌کند: ۱- مردمی بودن ۲- تنوع در عرصه‌های خدمت

وقتی از ماهیت مردمی و خودجوش در بسیج سخن گفته می‌شود، چنین ادعایی مطرح نیست که آنچه مردم می‌خواهند، بهترین گزینه است؛ اما به لحاظ اصولی نمی‌توان گزینه‌ی بهتر یا دقیق‌تر یا علمی‌تر، یا عاقلانه‌تر و حتی انقلابی‌تر را بر اراده‌ی خودجوش مردمی مقدم داشت. قطعاً بسیج جمعی است که نیروی خود را از اتحاد مردمان می‌یابد؛ بسیج مردمی است؛ این جمله کوتاه اقتضانات بسیاری را در خود نهفته دارد. اینکه بسیج با کلمه مردم در پیوند است، به این نحو فهمیده شده است که مردم خواستگاه بسیج است. در این نحوه فهم بسیج به عنوان جهت‌مندی مردمان فهمیده شده. مردم آن هنگام که بسیج شده‌اند، نقشی می‌یابند و از توده‌های پریشان و منتشر خارج می‌شوند. به عبارتی در این نحوه فهم می‌توان توضیح داد که چگونه بسیج می‌تواند مردم را معنا کند و جهت ببخشد و مشارکت سیاسی آن‌ها را رقم بزند. چنین فهمی نشان می‌دهد که مردم با بسیج شدن قدرتمند می‌شوند.

مساجد و هیئت

یکی از مصادیق کلی ذکر شده در ذیل جریان‌های حلقه‌های میانی، مجموعه‌های فرهنگی و فکری است. مساجد و هیئت را می‌توان بارزترین نمونه‌های مجموعه‌های فرهنگی نام برد که بدون وابستگی به هرگونه دستگاه حاکمیتی، کاملاً به صورت خودجوش و مردمی به تقویت معارف دینی و فرهنگی می‌پردازند. لذا از این نکته نیز نباید غافل شد که قرار گرفتن مجموعه‌ها در ذیل مصادیق جریان حلقه‌های میانی به این معنا نیست که حوزه‌های مأموریت‌هایشان واحد باشد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد حلقه‌های میانی به مجموعه‌های خودجوش مردمی اطلاق می‌شود که در راستای دستیابی به آرمان‌های انقلاب اسلامی، ایفای نقش می‌کنند؛ بنابراین جریان‌های حلقه‌های میانی بر اساس تعریف حوزه‌های مأموریتی خود، یکی از راهکارهای عملی در آن مجموعه پررنگ‌تر از سایر راهکارهای مورد اتمام باشد. به عنوان مثال راهکارهای علمی، یکی از

نقش‌های اصلی و پررنگ تشکل‌های دانشجویی به دلیل ماهیت آموزشی و پژوهشی این تشکل به حساب می‌آید و عمل به راهکارهای فرهنگی مأموریت اصلی مساجد و هیئت را به خود اختصاص می‌دهد. لازم به ذکر است که پرداختن به مأموریت اصلی مذکور، نافی عمل به باقی راهکارها مانند فعالیت اجتماعی، خدماتی و جهادی و... نخواهد بود. «اولین مسئله، اهمیت خود مسجد است و این ابتکاری که اسلام در آغاز ولادت خود برگزید و محل تجمع مردم را بر محور ذکر و دعا و توجه به خدای متعال قرار داد. اجتماعات مردم به‌طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خب، یک عده‌ای دور هم جمع می‌شوند، می‌گویند، می‌شنوند، تصمیم می‌گیرند، ارتباطات فکری برقرار می‌کنند، داده‌ها و گرفته‌های فکری بین خودشان دارند؛ این در کجا اتفاق بیفتد؟ مثلاً در باشگاه‌های اشرافی و اعیانی برای کارهای مختلف اتفاق بیفتد که در غرب معمول است، یا در قهوه‌خانه‌ها تشکیل بشود؛ [یا مثل] روم باستان که در حمام‌ها آن‌وقت یک چنین اجتماعاتی تشکیل می‌شد و دور هم مردم جمع می‌شدند و رفتن حمام بهانه بود برای اینکه بگویند و بشنوند؛ یا در جایی تشکیل بشود که محور آن اقامه‌ی صلات است؛ این خیلی فرق می‌کند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن‌وقت یک معنای دیگری پیدا می‌کند، یک جهت دیگری پیدا می‌کند، دل‌ها را به سمت دیگری می‌کشاند؛ این ابتکار اسلام بود».

اتحادیه و انجمن‌های دانش‌آموزی

اتحادیه و انجمن‌ها در این بخش به مجموعه‌های مردمی‌ای اطلاق می‌شود که باهدف مأموریتی خاص و مشخصی به میدان آمده‌اند؛ مانند گروه‌های جهادی که هدف خدمت‌رسانی به‌ویژه در مناطق محروم به فعالیت می‌پردازند که رهبر معظم انقلاب از جمله توصیه‌های مؤکدشان به گروه‌های جهادی، ترویج اندیشه جهادی در متن مردم بوده است. یکی دیگر از مصادیقی که می‌توان در ذیل بخش تعریف کرد، اتحادیه انجمن‌های دانش‌آموزی که با مأموریت تربیتی در حوزه دانش‌آموزی مشغول فعالیت است، می‌باشد. به نظر می‌رسد با توجه دسته‌های نوینی که رهبر معظم انقلاب نسبت به مأموریت‌های مجموعه‌های مردم محور ارائه فرمودند، اتحادیه انجمن اسلامی دانش‌آموزی نیز به‌عنوان یک مجموعه عمومی که بدون وابستگی مستقیم به نهاد و دستگاه حاکمیتی مشغول فعالیت است یکی از این نمونه‌های موفق است. «هر انجمن اسلامی دانش‌آموزی در کشور، یک سنگر فرهنگی است که سلاح این سنگر، دین، تدبیر، علم، فکر و فرهنگ هست.

اگر این سنگرها مستحکم باشند، دشمن در توطئه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و تهاجم خطرناک فرهنگی ناکام خواهد ماند».

تجربه جمهوری اسلامی ناظر به جریان حلقه‌های میانی

جریان‌شناسی تاریخی حکمرانی در جمهوری اسلامی

در خلال بازخوانی تجربه حکمرانی در جمهوری اسلامی شاید بتوان چهار مقطع را مشاهده نمود: (۱) از اول انقلاب تا اواخر دهه ۶۰: در این دوران شاهد شکل‌گیری نهادهای انقلابی هستیم که ویژگی‌های منحصر به فردی در استفاده از ظرفیت‌های مردمی جهت حل مسائل کشور دارند؛ کمیته‌های انقلاب، شورای محلات، بسیج، جهاد سازندگی و ... از جمله این نهادها هستند.

امام (ره) اصلاً رویکرد سلبی نداشته، بلکه کاملاً رویکرد ایجابی داشتند. مثلاً حضرت امام (ره) برای مردمی کردن سیستم دفاعی، ارتش را حذف نکردند بلکه به تأسیس ساختار موازی اما مردمی تحت عنوان سپاه پاسداران اقدام کردند، ایجاب کارآمدی ایجاد می‌کند، اگر با الگوی مدنظر امام (ره) حکمرانی می‌کردیم مجموعه‌های مردمی زیادی داشتیم که کارآمدتر از بخش دولتی بودند در آن صورت دولت صرفاً نقش سیاست‌گذاری را ایفا می‌کرد.

(۲) از اواخر دهه ۶۰ تا اواخر دهه ۷۰: این مقطع دوره‌ی توسعه دولت محور است. در این دوره ایده آقای هاشمی رفسنجانی این است که: «مردم بروید خانه تان بنشینید، سازندگی با ما»؛ می‌گوید ما می‌سازیم و خودش میشود سردار سازندگی و امیر کبیر دوران! ما امیر کبیر نمیخواستیم. مردم همه باید امیر کبیر منطقه خودشان باشند. دولت باید تسهیل می‌کرد تا صدها امیر کبیر میدانی تربیت شوند. در این مقطع توسعه صرفاً معنای اقتصادی دارد و بر ایجاد زیرساخت‌های بزرگ تمرکز دارد. تأسیس کارخانه‌های بزرگ و متعدد، پالایشگاه‌سازی، بندرهای بزرگ از همین رویکرد نشأت می‌گیرد. مردم این‌گونه حذف شدند، مردم را کنار گذاشتند تا دولت خودش مسئله‌ها را حل کند. نتیجه این اقدامات این بود که مردم روز به روز نسبت به مسائل کشور بی تفاوت تر شدند.

نقطه نگران کننده در این دوران این بود که جریان‌های اصیل انقلابی با دیدن این تحولات یا ناامید شدند و یا مقهور سیستم بوروکراتیک دولتی شده و در ساختارها هضم شدند. چرا که ما ساختارهای حکمرانی‌مان را نسبت به قبل از انقلاب عوض نکردیم. ما حاکمانمان را عوض کردیم اما الگوی حکمرانی‌مان تغییر جدی نکرد.

۳) اواخر دهه ۷۰ تا اواخر دهه ۸۰: در این دوران اصالت با توسعه فرهنگی و سیاسی است. دولت بر ایده جامعه مدنی تمرکز کرده و تغییراتی در فرآیند حکمرانی به وجود آورده است. در این دوران رشد و گسترش NGOهای فعال - خصوصاً در حوزه فرهنگی را شاهد هستیم. در این مقطع رهبری با طرح موضوع شیخون فرهنگی، تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی، مردم را به مقابله با این جریان حاکمیتی فرا می‌خواند. نیروهای انقلابی با تشکیل جریان‌های فرهنگی مانند هیئت‌ها، راهیان نور و همچنین موسسات تخصصی به مقابله با این جریان برخاستند. بدین ترتیب جریان انقلابی در این مقطع اولین تجربه‌های کنشگری به عنوان بازیگر در عرصه حکمرانی را داشتند.

۴) از دهه ۹۰ به بعد جریان انقلابی با تشکیل و تثبیت کنشگری خود در قالب مجموعه‌های مردمی به طور مثال بنیاد خاتم الاوصیا (عج) یک بازیگر صاحب تجربه در عرصه حکمرانی فرهنگی محسوب می‌شود. در همین سالها شاهد اولین جرقه‌های ورود جریان انقلابی به عرصه حکمرانی اجتماعی هستیم. شاید بتوان اردوهای جهادی را اولین تجربه‌های کنشگری اجتماعی جوانان انقلابی بدانیم. جریانی که رفته رفته به بلوغ رسید و با تشکیل قرارگاه پیشرفت و آبادانی تثبیت شد. اوایل دهه ۹۰ با شروع مشکلات فراگیر اقتصادی و کم شدن حمایت‌های حاکمیتی، نقطه عطفی برای جریان‌های فرهنگی و اجتماعی به حساب می‌آید. در این مقطع بسیاری از موسسات فرهنگی و اجتماعی به علت عدم تأمین مالی به سمت تعطیل شدن رفتند. موسساتی که در این سال‌ها تلاش بر استقلال خود از حاکمیت و اتکاء به توان‌های مردمی را داشتند باقی ماندند و جریان انقلابی جنس جدیدی از کنشگری را تجربه نمود.

خلاصه جریان شناسی مطرح شده بدین ترتیب است که با وقوع انقلاب، مردم در قالب‌های مختلف وارد کنشگری برای حل مسائل کشور شدند. این جنبش کنشگری مردمی در دوره دفاع مقدس به اوج خود می‌رسد. با روی کار آمدن دولت آقای هاشمی، توسعه اقتصادی محور قرار می‌گیرد، در نگاه ایشان توسعه اساساً دولت محور است. با این رویکرد مردم از عرصه‌های بسیاری که امکان نقش آفرینی در آن را داشتند دور می‌شوند. بعد از آن دولت آقای خاتمی با ایده توسعه فرهنگی، تغییرات عمیقی را ایجاد کرد، در این مقطع رهبری مردم را به مقابله با این جریان حاکمیتی دعوت می‌کنند. در دولت آقای احمدی نژاد جریان فرهنگی به بلوغ رسیده و جریان‌های اجتماعی با رویکرد تحول در حکمرانی شکل می‌گیرد. مردم خصوصاً جریان انقلابی در این عرصه به عنوان بازیگر جدی در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی مطرح می‌شوند. با بلوغ جریان فرهنگی و اجتماعی در کشور و نمایان شدن تلاش‌هایی جهت ورود بدنه مردم به عرصه‌های اقتصادی مردمی، شرایط برای جنس جدیدی از کنشگری فراهم می‌شود. در این مقطع رهبری با ابلاغ بیانیه گام دوم حکم مأموریت عموم مردم با محوریت جوانان را صادر نمودند.

دوره استقرار و تثبیت (سال‌های ۵۷ الی ۶۲)

با توجه به جایگاه و موقعیت حلقه‌های میانی، امکانات و ظرفیت‌های فراوانی در بطن آن‌ها در موضوعات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... نهفته است. این امر، می‌تواند منشأ تأثیرات عمیق و تغییرات گسترده و پایدار گردد. حلقه‌های میانی دارای خصلتی پویا، خودزایشی و خودتکوینی است و زمینه برای تسهیل کنشگری زاینده و مثبت اجتماعی را مهیا می‌سازد. جریان حلقه‌های میانی این قابلیت را دارد تا در قالب شبکه منسجم و نظام‌مند، به صورت حرفه‌ای و هدفمند، اسباب محقق ساختن اهداف و پیشبرد مؤثر امور را فراهم آورد. با عنایت به این جنبه از کارایی مفهوم مزبور، از قابلیت بسیار بالایی در جریان سازی نیز برخوردار است.

تجارب تاریخی متعددی وجود دارد که اهمیت و نقش تأثیرگذار جریان حلقه‌های میانی را نشان می‌دهد. در بسیاری از رخدادها و حرکت‌های مهم تاریخی از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی، همواره نقش حلقه‌های میانی بسیار تأثیرگذار بوده است. با توجه به اهمیت و نقش جریان حلقه‌های میانی و تنوع نقش آفرینی آنان، به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

جهاد سازندگی

جهاد سازندگی، یکی از مهمترین نهادهای انقلاب اسلامی به حساب می‌آید که در فلسفه پیدایی و تشکیل آن، جایگاه دو عنصر «امام» و «امت» کاملاً برجستگی دارد. با توجه به عملکرد جهاد، مفهوم «حلقه‌های میانی» به روشن‌ترین شکل ممکن در آن متبلور است. این نهاد تمام تلاشش را بر پیوند هر چه بیشتر این دو عنصر متمرکز ساخت. جهاد سازندگی با انجام اقدامات گسترده و ارتباط تنگاتنگی که با بدنه مردم داشت نقش برجسته و ماندگاری در پیشبرد اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایفا نمود.

با صدور فرمان تأسیس جهاد توسط امام خمینی (ره)، نیروهای جهادی با تمام توان، جهت پیشبرد امر امام در رابطه با امت اقدام نمودند. روحیه و مشی آن‌ها همچنین نحوه حضور و فعالیتشان در روستا و مناطق محروم، دوران بی‌نظیری از خدمت جهادی ذیل رابطه امام و امت را رقم زدند که علاوه بر آثار گسترده، تجربه‌ای ارزشمند در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سازندگی نیز به حساب می‌آید.

یکی از نقش‌های بسیار مهم و برجسته جهاد سازندگی، گذر از چالش‌ها و تهدیدات امنیتی و مواجهه صحیح با آن‌ها بود. مسئله مهمی که ابتدای انقلاب وجود داشت محرومیت سنگین بخش عمده‌ای از مناطق کشور به خصوص نواحی مرزی، شهرها و روستاهای دورافتاده بود که زمینه مناسبی برای فعالیت گروه‌های معاند و ضدانقلاب فراهم آورده بود. نتیجه سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی رژیم پهلوی، رها شدن روستاها و به هم خوردن نظام معیشتی آن‌ها بود، حاصل آن محرومیت و استضعاف گسترده روستائیان شد. از تبعات این تحولات بی‌اعتمادی به دولت و دستگاه‌های اداری حاکم بود و نوعی بدبینی در آن‌ها شکل گرفته بود. این امر وضعیت عمومی روستاها و نواحی محروم را به لحاظ امنیتی آسیب‌پذیر ساخته بود.

جهاد سازندگی تلاش کرد از دریچه عمران و آبادانی و مقابله با محرومیت‌ها و نه با برخورد‌های سخت امنیتی و نظامی، به مواجهه با چالش‌های امنیتی بپردازد. کنش‌ها و رویکردهای غیر قهری که جهاد در پیش گرفت یکی از مؤثرترین روش‌های مقابله با عناصر ضدانقلاب و کاهش دادن بحران‌های امنیتی بود. (امان پور، ۱۳۹۷: ۵۸. مجله جهاد، ۱۳۶۰، ش ۳۰: ۱۶). در واقع، پاسداری از انقلاب صرفاً با روش‌های متداول سیاسی و امنیتی میسر نیست بلکه می‌بایست عملاً جهت رفع محرومیت از روستاها اقدام کرد و نهضتی مردمی برای کمک به مردم در این نواحی آسیب‌پذیر شکل داد. البته خواسته به حق مردم محروم نیز همین بود که می‌بایست هر چه سریع‌تر در جهت رفع نیازهای متنوع آنان اقدام کرد. چنانچه، گروه‌های مردمی، همت و تلاش حکومت و نیروهای انقلاب را مشاهده می‌کردند امکان جولان دهی عناصر معاند و تجزیه‌طلب وجود نداشت و جذب ضدانقلاب نمی‌شدند. درباره میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری روستائیان از نوع و نحوه فعالیت‌هایی که در آنجا انجام پذیرفت باید اشاره داشت که به تدریج با شروع اقدامات گسترده جهاد در روستاها و خدمات متنوعی که به روستائیان ارائه دادند ساکنین این نواحی پیوند بسیار نزدیکی با نیروهای جهاد برقرار کردند (مجله جهاد، ۱۳۶۰، ش ۲۶: ۵۴-۵۵).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با جهادگران جهاد سازندگی در مورخه ۶۲/۰۲/۳۱ به صراحت مطرح ساختند که ضدانقلاب در روستاها با جهاد می‌جنگیدند و بچه‌های جهاد را شهید کردند چون از جهاد می‌ترسیدند؛ معلوم است وقتی که جهادگران در روستاها و مناطق محروم سیستان، کردستان و مناطق مرزی کشور مشغول کار و خدمت‌اند وقتی آباد می‌کنند، جاده می‌سازند به کشاورزان کمک می‌کنند زندگی برای روستائین شیرین می‌شد نگرانی‌ها و غم‌های ده‌ها ساله زدوده می‌شد او به انقلاب خوش‌بین و به انقلاب می‌پیوست و دیگر امکان نفوذ ضدانقلاب باقی نمی‌ماند (مجله جهاد، ۱۳۶۲، ش ۵۳: ۱۳).

لذا با توجه به وضعیت ابتدای انقلاب، کارگروه‌های جهاد و سپس جهاد سازندگی بسیار مؤثر بود. با توجه به هدفی که جهاد در این رابطه داشت ضمن آن که در مسیر آبادانی و سازندگی روستاها حرکت کرد (مجله جهاد، ۱۳۶۰، ش ۲۷: ۸۹)، چالش‌های امنیتی که در ابتدای انقلاب وجود داشت و با برنامه‌های ضدانقلاب و وضعیت نامساعد معیشتی روستاها، ممکن بود تداوم یابد و بحران‌های جدید شکل گیرد با اقدام به موقع و حضور مؤثر گروه‌های جهادی به بهترین شکل ممکن به نفع مردم و انقلاب تغییر کرد. کار عمرانی و فرهنگی جهاد به اندازه‌ای پیش رفت که «گروهک‌های ضدانقلاب جرئت این را ندارند که حتی به طرف روستاها بروند».

حضور و فعالیت جهاد سازندگی در عرصه دفاع مقدس، از دیگر مواردی است که رابطه امام و امت را متجلی می‌سازد. جهاد در این حوزه نیز در جهت تحکیم و توسعه دو عنصر مذکور نقش برجسته‌ای ایفا نمود. با حمله ارتش بعث عراق به مرزهای غربی و جنوب غربی کشور، بنا به ضرورت ایجاد شده و همچنین فرمان امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم دفاع از کشور، نیروهای جهاد سازندگی، با درک اصل ضرورت دفاع همه‌جانبه و فوری از انقلاب و باهدف کمک به رزمندگان، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به سمت مناطق عملیاتی حرکت کردند.

جهاد سازندگی در جبهه‌ها فعالیت‌های وسیع و تأثیرگذاری را شروع کردند؛ از اقدامات به‌ظاهر پیش‌پاافتاده و پراکنده در ابتدای جنگ تا عملیات فنی و پیچیده مهندسی، همچنین فعالیت‌های آن‌ها در پشت جبهه، کمک به جنگ‌زدگان و جمع‌آوری کمک‌های مردمی در شهرها و روستاها کشور تا اقدامات میدانی جهادگران در عرصه نبرد حتی جلوتر از خط مقدم. حضرت امام خمینی (ره)، این‌گونه به موضوع اشاره دارند که «در جنگ، نقش جهاد سازندگی کمتر از نیروهای نظامی نبوده و نیست و این اقراری است که مکرر از سوی فرماندهان ارتشی و سپاهی ما بیان می‌شد که اگر جهاد نبود پیروزی با این سرعت به دست نمی‌آمد» (صحیفه نور، ج ۱۶: ۲۰۳). ایشان در پیامش به سمینار مسئولان و اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی این‌چنین می‌فرمایند که «زحمات بی‌وقفه جهاد، این سنگر سازان بی‌سنگر در دفاع مقدس‌مان از جمله مسائلی است که در قالب الفاظ نمی‌گنجد» (صحیفه نور، ج ۱۷: ۱۵).

در نتیجه با نگاهی به عملکرد جهاد سازندگی، این مهم کاملاً به ذهن متبادر می‌گردد که به مثابه یک حلقه میانی، نقش تاثیرگذاری در توسعه و تحکیم رابطه میان امام و امت ایفا نمودند. با عملکرد جهاد؛ از یک طرف، گفتمان نظام اسلامی به بخش قابل توجهی از مردم به خصوص جامعه روستایی انتقال داده شد و از طرف دیگر، زمینه برای شکوفایی ظرفیت‌های مترکم روستائیان و احیاء قابلیت‌های متنوع آنها، فراهم آمد به گونه‌ای که با شروع فعالیت‌های جهاد، عصر جدیدی در حیات روستاها رقم خورد. نتیجه این امر در ارائه خدمات گسترده و زیربنایی در مناطق محروم، رفع چالش‌ها و تهدیدات امنیتی در نواحی آسیب‌پذیر، آگاهی‌بخشی به روستائیان و همراه‌سازی آنان با اهداف و آرمان انقلاب رقم خورد. در واقع، برآیند فعالیت‌های جهاد ضمن آن که تحولات شگرفی در رشد و آبادانی نواحی محروم و روستایی پدید آورد این گروه گرایش عمیقی نیز نسبت به انقلاب و امام پیدا کردند که تجلی آن را در عرصه‌های دفاع از انقلاب نظیر دوران جنگ تحمیلی می‌توان مشاهده نمود.

دوره بسط و تداوم (سال ۶۷ تاکنون)

بسیج دانشجویی

در نهادهای میانه‌ای که در حاکمیت طراحی شده است، نهادهایی که بر ساخت انقلاب اسلامی است جنس ایده از ابتدای انقلاب، ایده سازمان‌دهی و حرکت‌سازی و گسترش حلقه‌های میانی بوده است. نمونه بارز آن پدیده بسیج است؛ پدیده بسیج پدیده‌ای است که در معماری اجتماعی امام (ره) در نقطه سازمان‌دهی همان اراده‌های بومی متنی مردم است و سازمان‌دهی حرکت‌های خودجوش از پایین است و مانند ساختارهای خیلی بوروکراتیک یا ساختارهای امنیتی و نظامی که از بالا بخواهد اراده‌ای را محقق کند نیست. در معماری اجتماعی امام رحمت‌الله علیه و آن چیزی که در دست فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی متوجه می‌شویم پدیده بسیج خودش یک نمادی از این است که ما حرکت‌های بومی مردمی را چگونه گسترش دهیم، این اراده‌های خودجوش را چگونه با همدیگر هم‌افزا و سازمان‌دهی کنیم، چگونه به مجرای اساسی کشور به‌عنوان متن عمومی مردم بیاوریم. نمونه‌ای از این نهادهای بر ساخته انقلاب اسلامی از این جنس، پدیده بسیج دانشجویی است.

بسیج دانشجویی طی پیامی از سوی حضرت امام (ره) به مناسبت دهمین سالگرد تشکیل بسیج مستضعفین در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۲ تأسیس گردید. ایشان وظایف عمده بسیج دانشجویی را دفاع از اسلام و انقلاب اسلامی و ارائه چهارچوب‌های اسلام ناب محمدی (ص) بیان داشتند که در واقع با این پیام می‌توان به فلسفه وجودی و هدف بسیج دانشجویی پی برد. حضرت امام (ره) در این پیام ضمن درخواست دفاع از انقلاب و اسلام در مراکز دانشگاهی و حوزوی، خواستار پاسداری از اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» شدند و ضمن دعوت به اتحاد و یگانگی حوزه و دانشگاه چشم‌انداز ایجاد حکومت بزرگ اسلامی و فتح جهان توسط اسلام را فراروی مشتاقان و رهروان اسلام ناب محمدی (ص) قرار دادند.

مقام معظم رهبری در دیدار با بسیجیان در تاریخ سه آذرماه ۱۳۹۵ می‌فرمایند: «بسیج تحقق مردم‌سالاری دینی است. ما که می‌گوییم مردم‌سالاری دینی یا مردم‌سالاری اسلامی، بعضی خیال می‌کنند این مردم‌سالاری فقط پای صندوق رأی و انتخابات است؛ آن یکی از جلوه‌های مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری یعنی بر اساس دین و بر اساس اسلام، سالار زندگی جامعه، خود مردم‌اند؛ مردم‌سالاری یعنی این؛ این معنای مردم‌سالاری اسلامی است. بسیج در همه‌ی عرصه‌ها مظهر مردم‌سالاری دینی و مردم‌سالاری اسلامی است. اگر چنانچه بسیج وارد اقتصاد بشود، اقتصاد می‌شود مردم‌سالار؛ همین که آقایان اینجا الآن اظهار کردند و کاملاً درست است. این اقتصاد مقاومتی که ما عرض کردیم، اگر بتواند از قوت و قدرت بسیج استفاده کند، می‌شود اقتصاد مقاومتی مردم‌سالار؛ در علم همین جور است، در پیشرفت‌های گوناگون اجتماعی همین جور است، در سیاست همین جور است؛ مظهر مردم‌سالاری دینی، بسیج است.»

برای اجرای فرمایش‌های رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر که موضوع جنگ روایت‌ها و جهاد تبیین مطرح شد، مجموعه بسیج دانشجویی تلاش کرده است که طرح و مدلی برای عملی کردن فرمایش‌های رهبر درباره آگاهی‌بخشی به نوجوان و جوان داشته باشد که در این زمینه از تجربه موفق انقلاب در عرصه راهیان نور استفاده شد. اعزام سالانه دانش‌آموزان و دانشجویان به اردوهای راهیان نور ظرفیت فرهنگی بسیار مناسبی است؛ در این اردوها هم‌زمان با بازدید دانشجویان از مناطق عملیاتی در دوران دفاع مقدس، تعدادی از رزمندگان دفاع مقدس برای آن‌ها رشادت‌ها و مقاومت رزمندگان را روایت می‌کنند تا نسل آینده‌ساز کشور با تلاش و تفکرات موفق رزمندگان آشنا شوند. دستاوردهای نظام نیز باید با الگوی راهیان به دانش‌آموزان و دانشجویان معرفی می‌شود، بنابراین اردوهای راهیان پیشرفت در قالب کاروان‌هایی جهت بازدید از صنایع، شهرک‌های علمی، تحقیقاتی و همه مجموعه‌هایی که به برکت انقلاب اسلامی دستاوردهایی داشته‌اند اما روایت نشده است، در دستور کار بسیج دانشجویی قرار گرفت. طرح راهیان پیشرفت طی سنوات اخیر در معاونت پژوهش و فناوری سازمان بسیج دانشجویی باهدف امیدآفرینی و ارتقاء روحیه خودباوری در جوانان دانشجو در قالب بازدید از مراکز و مجموعه‌های صنعتی و علمی موفق و پیشرو در حال اجراست. این برنامه باهدف آشنایی نسل نوجوان و جوان با دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی ایران برگزار می‌شود و مهندسان و مدیران مراکز علمی و تحقیقاتی در داخل کشور دستاوردهای علمی ایران را روایت می‌کنند.

همچنین در دوران شیوع کرونا به‌عنوان تنها تشکلی که تعطیلی دانشگاه روی آن اثر نداشت، بسیج دانشجویی بود که بسیجیان درصحنه بودند و برنامه‌های خود را در حوزه‌های مختلف با جدیت دنبال کردند، البته رسالت بسیج نقش‌آفرینی در حوزه‌های مختلف است و تنها مسئولیت آن به دانشگاه محدود نمی‌شود به همین دلیل در حوزه سلامت، اقتصاد مقاومتی، حرکت‌های جهادی و کمک مؤمنانه فعالیت‌های زیادی در دوران شیوع کرونا انجام داد.

فعالیت گروه‌های جهادی

هنر بزرگ امام خمینی (ره) همین بود که از سرمایه اجتماعی خودشان برای ایجاد نهاد بهره بردند. بیشتر نهادهای انقلابی که در دهه اول انقلاب شکل گرفت به یک معنا نهادهای مردمی هستند. اگر پیام‌های امام (ره) در تأسیس این نهادها بررسی شود به‌عنوان مثال در تأسیس سپاه، جهاد سازندگی، بنیادها و نهادهای مختلف مشاهده می‌شود که نقطه اتکای امام به مردمی بودن این نهادهاست؛ یعنی یک امری خارج از ساختار بوروکراتیک دولتی و ساختار متصلب اداری. البته با گذر زمان و در دهه‌های بعدی بخشی از همین نهادها نیز در بودجه و بروکراسی و آیین‌نامه و ابلاغیه و ... هضم شدند؛ بنابراین این الگو از کار جهادی و اینکه انرژی مردم پشتیبان فعالیت گروه‌های جهادی باشد و همچنین برنامه‌ریزی و محوریت امور توسط مردم پیش رود، مسبوق به سابقه تاریخی در دهه اول انقلاب و به‌خصوص در چهار پنج سال اول نخست انقلاب اسلامی بوده است. یکی از مهم‌ترین مصادیق این پشتیبانی مردمی کمیته‌های انقلاب اسلامی است که برای تأمین امنیت شهرها فعالیت داشتند و این امر را با محوریت مساجد انجام می‌دادند. یا حتی وقتی امام (ره) دستور دادند سلاح‌هایی که از پادگان‌های رژیم پهلوی، در فرآیند پیروزی انقلاب به دست مردم رسیده بود، برگردانده و تحویل داده شود، محوریت این کار با مساجد بوده است. در نتیجه باید گفت ساختارهای رسمی از اول انقلاب وجود داشته و به ایفای نقش خود پرداخته‌اند؛ اما هر وقت نیاز به این بوده که یک حرکت انقلابی رو به جلویی اتفاق بیفتد، این نقش‌آفرینی ساختارهای مردمی بوده که قدرت خود را نشان داده است.

یکی از مجموعه‌های مردمی موثر گروه‌های جهادی هستند؛ مصداق عینی فعالیت گروه‌های جهادی را به طور مثال در ایام کرونا می‌توان دید که چه خدمات ارزنده‌ای را به بیمارستان‌ها، مراکز درمانی، بیماران و افراد مستضعف انجام دادند. مسئله گروه‌های جهادی در تحولات کرونا، مسئله اعتماد را نشان می‌دهد. اساس شکل‌گیری تحولات پیش از انقلاب، در دوران انقلاب و بعد از انقلاب، بر اساس سرمایه اجتماعی و اعتماد مردم بوده است؛ گروه‌های جهادی نشان دادند که مردم به مفاهیم تولیدشده توسط انقلاب اسلامی، هنوز اعتماد دارند. مفهوم جهادی مفهوم کارهایی که با برند جهادی انجام می‌شود در واقع برگرفته از انقلاب اسلامی است. وقتی به گروه جهادی کمک مالی می‌شود و در موضوعات مختلف، میلیون‌ها تومان کمک مردمی جمع‌آوری می‌گردد نشان‌دهنده آن است که مردم این ادبیات را قبول دارند که اگر قبول نداشتند به سراغ خیریه‌ای با برند خنثی و غیرانقلابی می‌رفتند؛ میزان مقدار این اعتماد مردمی به گروه‌های جهادی، گویای عمق اعتماد به مجموعه‌های انقلابی است که در خدمت حل مشکلات مردم هستند. گروه‌های جهادی الگوی بسیار مناسبی برای اعتمادسازی در ساختار حکمرانی، سازمان‌ها و نهادهای حاکمیتی هستند؛ چراکه گروه‌های جهادی متکی به مردم، منابع مالی خود را از سوی مردم تأمین می‌کنند و همچنین به صورت شفاف به مردم گزارش می‌دهند.

مسئله دیگر عبارت است از کارآمدی گروه‌های جهادی. مردم گروه‌های جهادی را مفید می‌بینند و کارآمدی آن را مشاهده می‌کنند. بسیاری از سازمان‌ها و نهادها وجود دارند که کارآمدی ندارند؛ تعطیل هم بشوند آسیب چندانی به جامعه نمی‌رسد و این برای حکمرانی بد است؛ بنابراین گروه‌های جهادی کارکرد مثبت دارند؛ مردم با چشمشان می‌بینند سیل آمده و گروه جهادی دارد کمک می‌کند، خانه‌های مردم را تخلیه می‌کند، غذای گرم می‌پزد؛ زلزله آمده دارد آوار برمی‌دارد، خانه می‌دهد. کرونا آمده دارد ضدعفونی می‌کند، به بیمارستان‌ها کمک می‌کند، به نیازمندیانی که از لحاظ مالی مشکل پیدا کردند، بسته معیشتی می‌دهد.

اینکه چرا گروه‌های جهادی کارکردی مفید و سریع دارند به سبب رهایی از بروکراسی است. ما سازمان‌هایی داریم که کارشان کمک کردن به مردم است مانند کمیته امداد، بهزیستی، بنیادهای مختلف وزارت مسکن و ... اما مردم این وجه کارآمدی و مقید بودن را به صورت کامل نمی‌بینند. یکی از دلایل همین ساختار بروکراسی است. به عنوان مثال در یک گروه جهادی شهرستان، گاهی مراجعاتی از سوی برخی خانواده‌ها وجود دارد یا برخی از آن‌ها شناسایی می‌شوند که هیچ سرپناهی ندارند. گاهی یک خانواده مشاهده می‌شود که یک آلونک دارد با دو بچه یا به طور مثال، همسری در این خانواده هست که بیمار است. اگر قرار باشد در قالب ساختارهای بوروکراتیک، کمکی به این خانواده بشود، باید این خانواده برود مدرک بگیرد و ثابت کند که بیمار است. بعد برود عضویت آن نهاد را بگیرد. برود در نوبت و...؛ مدت طولانی‌ای می‌گذرد. ساختار بروکراسی و آیین‌نامه‌های متعدد مانع بزرگی بر سر راه این خانواده خواهد بود. یکی از دلایلی که گروه‌های جهادی موفق عمل می‌کنند این است که گرفتار این بروکراسی نیستند؛ مثلاً در گروه جهادی مصاف فومن که زیر نظر یک پایگاه بسیج است تا الآن یازده خانه ساخته و به مردم تحویل داده شده است و چهارخانه هم در حال ساخت است که صفر تا صد آن با کمک‌های مردم انجام پذیرفته است. برخی خانواده‌های نیازمندی که به این گروه معرفی می‌شوند شاید در کمتر از ۲۴ ساعت سرکشی می‌شوند و فرصت‌ها به بهانه امور اداری از بین نمی‌رود و بلافاصله کار شروع می‌شود. یا در حوزه تولید ماسک و مواد ضد عفونی در ایام کرونا نیز، کارکرد گروه‌های جهادی به خوبی قابل لمس بود؛ همچنین در حوزه تولید بسته‌های معیشتی، گروه‌های جهادی با همکاری بسیج با برگزاری رزمایش‌های مواسات و کمک‌های مؤمنانه توانست عملکرد قابل قبولی از خود ارائه کند. کتاب «جهاد در قرنطینه» یکی از کتب خواندنی در این زمینه است که فعالیت‌های کارگاه جهادی شهید ابراهیم‌زاده در جهاد مقابله با ویروس کرونا را روایت می‌کند، گروه جهادی شهید ابراهیم‌زاده مانند ده‌ها گروه جهادی در سراسر کشور آن قدر به کار دوخت و دوز ماسک و گان پزشکی و سایر اقلام پزشکی دوختنی پرداختند تا اینکه نیاز بهداشتی کشور را تأمین کردند. سراسر کتاب «جهاد در قرنطینه» شرح و روایت خاطرات تلخ و شیرین و گریه و شادی و کمبودها و لطف مالی و معنوی مردم است در رفع نیازهای بهداشتی مردم و بیمارستان‌ها و کادر درمان.

کتاب، روایت مستندی است از این دوران پر از رنج شیوع بیماری کرونا تا بماند برای آیندگان که بدانند حضور و همبستگی مردم چطور مایحتاج کشور را مرتفع کرد.

هیئت‌های مذهبی در مواجهه با ویروس کرونا

برگزاری هیئت‌های مذهبی در شرایطی که جهان تازه با پدیده کرونا آشنا شده بود، از جمله دغدغه‌هایی بود که جوامع مذهبی مانند ایران با آن مواجه شد. شیوع ویروس کرونا در ایران، آیین‌های عزاداری محرم را نیز همچون دیگر مراسم‌ها و برنامه‌های ملی و مذهبی تحت تأثیر قرارداد اما آحاد مردم تلاش کردند با تغییر در شکل ظاهری این عزاداری‌ها و با رعایت دستورات بهداشتی برای جلوگیری از ابتلا به بیماری کووید ۱۹ پرچم آزادی‌خواهی شهدای عاشورا را زنده نگاه‌دارند. نظم مثال‌زدنی هیئت‌ها که جز با همکاری مخلصانه عزاداران با خادمان حسینی محقق نمی‌شد یکی دیگر از جلوه‌های شکوه مجالس عزاداری امسال بود.

حاج محمود کریمی که هر سال در امامزاده علی‌اکبر (ع) چیدر مراسم داشت، با برپایی تکیه سیار روضه امام حسین (ع) را به کوچه‌ها و خیابان‌ها برد. تکیه سیار این امکان را فراهم کرد که مردم از خانه‌های خود به عزاداری سیدالشهدا (ع) مشغول شوند. این شیوه جدید عزاداری که همراه با رعایت پروتکل‌های بهداشتی بود با استقبال بسیار خوب مردم مواجه شد. نقطه اوج تکیه سیار حضور حاج محمود کریمی در کوره‌های آجرپزی اطراف قیام دشت و ذکر مصیبت اهل بیت (ع) در میان کوخ‌نشینان بود.

کرونا و فضای باز، فرصتی برای عمومی تر شدن مراسم‌های عزاداری شد؛ اگرچه بردن هیئت به فضای عمومی، سبب شد شور و حال مراسم عزاداری برای عزاداران همیشگی هیئت کمتر شود اما این فرصت را ایجاد کرد که عموم مردم از اقشار مختلف حس و ارتباط نزدیک‌تری با هیئت برقرار کنند. از سوی دیگر، «هیئت» به‌عنوان یک نهاد این ظرفیت را از خود نشان داد که می‌تواند با تغییر شرایط ضمن نگه‌داشتن اصول و چارچوب‌های خود، سریع تغییر حالت داده، متناسب با نیاز مخاطب خود را بازآفرینی کند. در این میان، با توجه به تعطیلی یا کم‌رنگ شدن هیئت‌های سنتی در برخی از شهرها، فرصتی ویژه برای این هیئت‌ها ایجاد شد تا عموم مردم ارتباط نزدیک و واقعی با این گروه داشته باشند، این ارتباط نزدیک و واقعی سبب شد که بسیاری از تصویرها یا تبلیغ‌های منفی علیه هیئت‌های انقلابی در شهرهای مختلف، کم‌رنگ شده یا از بین برود و سرمایه اجتماعی این هیئت‌ها در میان مردم افزایش یابد.

به علت کرونا و کم شدن جلسه هیئت‌ها و همچنین نگرانی خانواده‌ها از حضور در جلسه‌های عمومی و پرجمعیت، جلسه‌های خانگی در دهه اول محرم رونق پیدا کرد. با توجه به تبلیغات انجام شده در رسانه‌ها برای برگزاری مراسم‌های عزاداری در خانه با شعار هر خانه یک هیئت، خانواده‌ها جلسه‌های بیشتری را برگزار کردند. به دلیل تعطیلی برخی از مراسم‌های بزرگ، اقبال عمومی به این جلسه‌های خانگی در شرایط کرونا بیشتر شده بود. تعداد نفرات و جمعیت حاضر در مجالس خانگی و میزان رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی و پرهیز از شلوغی بر اساس نگرانی و دغدغه و باورمندی بانیان جلسه (صاحب‌خانه) نسبت به ویروس کرونا متفاوت بود.

هیئت‌های کوچه‌ای هم مراسمی بین هیئت‌های رسمی و جلسه‌های خانگی است و یکی از بهترین نوآوری‌ها در برگزاری مراسم محرم در شرایط کرونا هست. این هیئت‌ها نسبت به هیئت‌های رسمی چابک‌تر عمل کرده، همبستگی و ارتباط میان مردم در محله‌ها و کوچه‌ها را بیشتر کردند. مراسم‌های عزاداری هیئت‌های کوچه‌ای در کوچه و محله‌های مختلف یا یک زمین خالی در محله برگزار می‌شود این هیئت‌ها به صورت خودجوش توسط چند نفر از اهالی یک کوچه شکل می‌گیرد. افرادی از اهالی کوچه - که تجربه برگزاری هیئت را دارند به علت تجربه‌ها، ارتباط‌ها و تعامل‌هایی که دارند مسئولیت برگزاری را بر دوش می‌گیرند، در ادامه تعداد دیگری از همسایه‌ها برای برگزاری دعوت می‌شوند و با توجه به نیازهای ضروری برگزاری مراسم تقسیم‌کار مشارکت دهی و مشارکت‌پذیری میان اهالی محل اتفاق می‌افتد. این همکاری جدا از همه دسته‌بندی‌های مرسوم رقم می‌خورد و همه می‌توانند در برگزاری مراسم مشارکت داشته باشند. با شروع کارها افراد تجربه تازه‌ای از حضور و مشارکت در هیئت را تجربه می‌کنند و احساس خوبی در درون خود می‌یابند و طعم رضایت و شادی مشارکت متفاوت در مراسم محرم را می‌چشند. این در حالی است که در هیئت‌های بزرگ مردم در زمان خاصی به مکان هیئت رفته از مراسم و تدارکی که مسئولان هیئت آماده کرده‌اند، استفاده می‌کنند، مشارکت مردم در هیئت‌های بزرگ به اندازه حضور و استفاده از مراسم بوده و طبعاً نوع و احساس مشارکت در این مراسم‌ها پایین است. «برگزار نکردن یا نامنظم بودن برنامه برخی از هیئت‌های رسمی و بزرگ به دلیل تغییر زیاد دستورالعمل‌های بهداشتی»، «احساس ناامنی از شیوع کرونا در محیط‌های شلوغ هیئت‌های (بزرگ) یا محیط‌های مسقف هیئت‌های خانگی» و «احساس امنیت روانی بالا در هیئت‌های کوچه‌ای (از لحاظ رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی)» سبب شد که حضور و مشارکت مردم در هیئت‌های کوچه‌ای افزایش یابد. در این هیئت‌ها، مردم دغدغه رفت‌وآمد به یک محیط ناآشنا را نداشتند و چون رعایت پروتکل‌ها را در طول تدارک مراسم از نزدیک دیده و در آن مشارکت داشتند با خیالی آسوده‌تر در مراسم شرکت می‌کردند. نزدیکی محل برگزاری مراسم به خانه، نگرانی و دغدغه خانواده‌ها برای سلامت فرزندان را هم رفع می‌کرد و خانواده‌ها می‌توانستند با فرزندان خود در این مراسم شرکت کنند.

نهضت سوادآموزی

نهضت سوادآموزی نیز به عنوان یکی دیگر از این الگوها و حرکتی که توانست بعد از انقلاب به فرمان حضرت امام (ره) موفق باشد مورد بررسی قرار می گیرد. سابقه تاریخی آموزش در کشور ایران نشانگر آن است که طی اعصار نسبتاً طولانی، عزم و اقدام مشخصی در ترویج آموزش عمومی در میان نبوده و سواد و آموزش در انحصار طبقات اجتماعی خاصی قرار داشته است. رد این انحصار طبقاتی را حداقل تا حکومت ساسانیان (پیش از اسلام) می توان به سهولت پی گرفت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنیان گذار کبیر انقلاب اسلامی با درک عمیق از مشکلاتی که در اثر بی سوادی مردم در جامعه گریبان گیر مردم بود طی فرمانی موضوع بسیج سوادآموزی را صادر نمودند؛ بنابراین در هفتم دی ماه سال ۱۳۵۸ سازمان نهضت سوادآموزی باهدف باسواد کردن خیل عظیم بی سوادان کشور تشکیل شد.

به منظور دست یافتن به اهداف تعیین شده، سازمان نهضت سوادآموزی اقدام به برنامه ریزی و اجرای طرح های مختلفی به منظور تحت پوشش بردن افراد بی سواد که اغلب از طبقات محروم و مستضعف بودند کرده و با لحاظ کردن شرایط مربوط به فرهنگ، زبان، سن و شغل آنها، آموزش سواد در دوره های مقدماتی، تکمیلی، پایانی، پنجم بزرگ سال، طرح تحت پوشش بردن کودکان لازم التعلیم را در قالب طرح هایی در اقصی نقاط میهن اسلامی به اجرا در آورده و نسبت به ارائه خدمات آموزشی حتی در سال های دفاع مقدس و در کنار رزمندگان اسلام با همراهی مردم، اقدام و همواره پرچم آموزش، نور و هدایت را برافراشته نگه داشت.

ساختارهای رسمی از اول انقلاب وجود داشته و به ایفای نقش خود پرداخته‌اند؛ اما هر وقت نیاز به این بوده که یک حرکت انقلابی رو به جلویی اتفاق بیفتد، این نقش آفرینی ساختارهای مردمی بوده که قدرت خود را نشان داده است. نهضت سوادآموزی یکی از نمونه‌های موفق حضور جهادی و نقش آفرینی مردم در جهت حل مسئله بی‌سوادی است، تشکیل نهضت سوادآموزی با نگاه تربیت افرادی جهادی و یکپارچه در مسیر توسعه اسلام بود. امروزه نیز با توسعه علم و دانش و ورود فناوری‌های پیشرفته باید شکاف نسلی کنونی را از بین برد و پیرو اندیشه امام راحل این فراگیری را به مناطق محروم برد و آموزش را میان اعضاء خانواده‌هایی توسعه داد که دسترسی به مراکز آموزشی ندارند. لذا این اقدام جهادی سالهاست توسط گروه‌های جهادی دانشجویی از دانشگاه‌های سراسر کشور در حال انجام است، گروه‌های دانشجویی هر ساله در بازه زمانی مشخص جهت انجام فعالیت‌های خدماتی، آموزشی و تربیتی به مناطق محروم اعزام می‌شوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بلوغ کنش‌های مردمی، ساختارهای بوروکراتیک را به چالش خواهد کشید و تحول در ساختارها را به همراه خواهد داشت. باید پذیرفت که ساختارها چند ویژگی دارند: ساختارها الزام آور هستند. ساختارها گرچه به وسیله کنشگران ایجاد می‌شوند اما خود حدود مرز کنش‌ها را تعیین می‌کنند. ساختارها موجودیتی ذاتی ندارند بلکه مجموعه قواعد و منابعی هستند که به مرور زمان توسط کنشگران و در پیوند با سیاست شکل گرفته‌اند.

حرکت‌های متوالی انسان‌ها هنگامی که با آهنگ جامعه هماهنگ باشد باعث تغییرات ساختاری می‌شود، تغییر ساختارهای غربی حاکم بر جامعه ما نیز نیازمند شکل‌گیری حرکت‌های متوالی متناسب با ارزش‌های انقلاب و سازمان‌دهی این حرکت‌های انقلابی و تغییر آهنگ حرکت جامعه بر محور این حرکت‌های انقلابی هست، از جهتی دیگر هنگامی که حرکت‌های متوالی مبتنی بر عقلانیت انقلاب اسلامی باشد باعث تغییر در ساختارهای موجود و شکل‌گیری ساختارهای جدید می‌شود.

شرکت‌های دانش‌بنیان، ظهور کارآفرینان مستقل، هسته‌های جهادی تخصصی، هسته‌های پیشرفت منطقه‌ای، پژوهشکده‌های تخصصی در حوزه علوم پایه و مطالعات فرهنگی اجتماعی، تشکل‌های تربیت محور، جریان رسانه‌ای و ... حرکت‌هایی هستند که مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی و در گستره وسیعی در حال گسترش هستند. اگر ساختارهای اقتصادی ما اجازه حاکمیت ایده اقتصاد مقاومتی را نمی‌دهد حرکت‌های بی‌شماری از کارآفرینان مستقل و هسته‌های جهادی در سازمان‌های خرد در حال پیش برد این ایده هستند. اگر ساختارهای فرهنگ عمومی ما در فضای غرب‌زده سیر می‌کند، جریان‌های خرد بسیاری در عرصه‌های مختلف برای حل مسائل انقلاب اسلامی در حال فعالیت هستند. اگر ساختارهای اجتماعی ما نتوانسته مسئله محرومیت و خدمات اجتماعی را حل کند صدها هسته جهادی هر کدام به سهم خود در حال نقش‌آفرینی برای رفع محرومیت هستند.

اگر این حرکت‌های انقلابی سازمان‌دهی شوند و در پیوند با عقلانیت قرار بگیرند می‌توانند ساختارهای حاکم را تحت تأثیر قرار دهند. منظور از سازمان‌دهی آن است که ارتباط و اتصال این حرکت‌ها و نسبت‌هایی که با یکدیگر دارند باید طراحی شود. مثلاً در زمینه حرکت‌های اجتماعی صدها گروه جهادی با مسئله رفع محرومیت مشغول فعالیت هستند که تأثیرات شگرفی در این زمینه داشته‌اند اما چون این حرکت‌ها تحت یک راهبرد مشخص پیش نمی‌رود و ارتباط و اتصال این حرکت‌ها با یکدیگر و با سایر حرکت‌های دیگر مشخص نیست توان ساختارمند شدن ندارند؛ نقش سیاست در ساختارمند شدن این حرکت‌ها غیرقابل‌انکار است؛ به عبارت دیگر اگر مجموعه این حرکت‌ها نتواند به همین ساختارهای موجود راه پیدا کند، انتظار تحول ساختاری، انتظاری دور از واقعیت است. صحبت اینجا است که با اثبات کارآمدی حرکت‌های انقلابی در سطح خرد و سازمان‌دهی آن‌ها راه ورود به ساختارها هموار خواهد شد؛ با ورود این حرکت‌ها به ساختارهای موجود به شرط آن که سازمان‌دهی شده باشند ساختارهای فعلی را تحت تأثیر قرار خواهند داد؛ بنابراین حرکت‌های انقلابی که قرار است در ادامه مسیر، نظامات، ساختارها و برنامه‌ها را تحت تأثیر قرار دهند باید مبتنی بر عقلانیتی باشند که از دل همین هویت دینی و تاریخی می‌جوشد و با ضرب در اقتضات امروزی جامعه توان هدایت جامعه را داشته باشد.

رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب، لازمه رسیدن به هدف انقلاب را حرکت عمومی مردم با محوریت جوانان می‌داند؛ در نظریه تحولی ایشان برای پیوستن جوانان به حرکت انقلاب نیازمند فعال شدن الگو و مدل جریان‌های حلقه‌های میانی هستیم. جریان‌های حلقه‌های میانی عناصر مردمی و پیشرانی هستند که با دو ویژگی قدرت اندیشه ورزی و قدرت هدایت اجتماعی و با تولید راهکارهای متنوع و متکثر و با درگیر کردن حاکمیت و مردم به دنبال طراحی ساختارهای مردمی برای حل مسائل کشور هستند. بر این اساس معادله تغییر ساختارها این گونه است؛ اگر جریان‌های حلقه‌های میانی کارکرد خود را به درستی ایفا کنند قیام جوانان به عنوان پیشران حرکت جامعه محقق خواهد شد. اگر قیام جوانان محقق شود آنگاه حرکت عمومی جامعه محقق خواهد شد. با ایجاد حرکت عمومی و شکل‌گیری آهنگ تحول در جامعه، تغییرات ساختاری به عنوان چالش مرحله دولت‌سازی و جامعه‌پردازی مردم‌نهاد به عنوان چالش مرحله جامعه‌سازی محقق خواهد شد.

نمونه موفق جریان حلقه‌های میانی را از لحاظ تاریخی در برهه‌های زمانی مختلف نیز داشتیم؛ به طور مثال بعد از انقلاب بحث حلقه‌های میانی اولین بخش آن تشکیلات بود که شهید بهشتی ایجاد کردند، یک دوره حالت بسته‌ای ایجاد شد، یک دوره احزاب مختلف بودند که فروپاشیدند چون دولت پایه بودند. بعد از انقلاب هم شاهد شکل‌گیری نهادهای مردمی همانند جهاد سازندگی، بسیج، نهضت سوادآموزی، گروه‌های جهادی و... بودیم که تا الآن به حیات خود ادامه می‌دهند چون مقوم به ذات خودشان و مردمی هستند و دولت ساخته نیستند. لذا این نهادهای اجتماعی هویتشان کاملاً متفاوت است با جامعه‌ی مدنی و نظام احزاب در جامعه‌ی غربی که مسئله‌شان قدرت و رفاه است. چون این‌ها مجموعه‌هایی جوششی هستند که ارتباطشان با رأس حاکمیت ارتباط جدی است، هویتشان یک اتصال و یک هویت خودجوش است که به رأس و امامت جامعه هم متصل است.

بنابراین جریان حلقه میانی کنش‌گر عملی فعال برای پیش‌روندگی و پیش‌برندگی جامعه است؛ به این صورت که با برقراری تعامل با مردم، نیاز و ظرفیت‌ها را به یکدیگر متصل کرده و حرکت عمومی برای مردمی‌سازی ایجاد خواهد کرد. ایده حلقه‌های میانی یعنی یک امر غیررسمی وارد یک تغییر کلان حاکمیتی بشود که دارای چهار خصوصیت مهم است: غیررسمی، جوان، نخبه و دارای تشکیلات و ساختار منسجم هستند. با توجه به اینکه رهبر معظم انقلاب از

اهمیت تشکیل کارگروه تخصصی در موضوعات مختلف برای شکل‌گیری و فعال شدن جریان حلقه‌های میانی سخن گفتند، تصویر زیر جایگاه این کارگروه‌ها و جریان حلقه‌های میانی را مشخص می‌کند.

فهرست منابع

- 1- قرآن کریم
- 2- میرباقری، سید مهدی (۱۳۹۹)، نگاه تمدنی به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، نشریه تأملات رشد، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴، ص ۱۶-۱۰.
- 3- فرجی، جعفر (۱۳۹۹)، حلقه‌های میانی مبنای تحول حکمرانی، قابل دسترسی در سایت <https://jafarfaraji.ir>
- 4- معجیدی، محمدرضا؛ سبزی کریم‌آبادی، یونس (۱۴۰۰)، جایگاه حلقه‌های میانی در حکمرانی تشکیلاتی و نقش آن در تمدن سازی، با نگاهی به مقوله حزب، فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱
- 5- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷)، بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی.
- 6- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۰)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۳۴۳
- 7- شیرینی، محمدرضا؛ سام دلیری، کاظم (۱۴۰۰)، پیشران‌های مؤثر بر تشکل‌های مردم‌نهاد ایران در افق ۱۰ ساله آینده، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال پنجم، شماره ۱۷، ص ۲۰۲-۱۶۷.
- 8- لک زایی نجف، الهامی، علی، لک زایی، رضا (۱۳۹۹)، نقش قدرت در تأسیس تمدن نوین اسلامی در منظومه فکری امام خمینی (ره)، دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۳، شماره ۱، (پیاپی ۵) ص ۲۹-۵۸.
- 9- ایروانی، محمدجواد (۱۳۷۷)، نهادگرایی و جهاد سازندگی، تهران: چاپخانه جهاد سازندگی.
- 10- افشار، علیرضا (۱۳۹۷)، زنده باد جهاد، روایت پیشکسوتان جهاد سازندگی؛ تهران: الگو نگار پیشرفت.
- 11- مشایخی، علی؛ حسینی، محمدرضا (۱۳۹۸)، رسم جهاد (تجربه‌های کار جمعی در جهاد سازندگی؛ به روایت حسینعلی عظیمی)، تهران: مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی.
- 12- شهریاری، بهادر (۱۴۰۱)، خوانشی تجربه محور از عملکرد جهاد سازندگی به‌عنوان نهاد حلقه میانی، مقالات سومین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب اسلامی.
- 13- جاوید، محمدجواد؛ فتاحی، علی (۱۳۹۲)، راهکارهای مشارکت مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال دوم، زمستان ۱۳۹۲، شماره ۶.
- 14- رئوف موسوی، سید ابراهیم (۱۴۰۰)، تنها همه، تهران: مرکز علم و تمدن اسلامی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام.

- 15- معاونت پژوهش و آموزش موسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۴۰۰)، دولت جوان حزب‌اللهی، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- 16- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۹)، کرونا آزمون، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام.
- 17- مولائی آرانی، مهدی (۱۴۰۰)، عزاداری محرم و کرونا، پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام.
- 18- علیجانی، رضا، جامعه مدنی به زبان ساده، ماهنامه ایران فردا، شماره ۴۲، ص ۱۰ و ۱۱.
- 19- مک لین، ایان، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، ترجمه حمید احمدی، تهران: میزان: ۱۳۸۱، ص ۱۳۰.
- 20- بشیریه، حسین، عقل در سیاست: سی‌وپنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاست، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۲، ص ۵۶۷.
- 21- بیتنام، دیوید و بویل، کوین، دموکراسی چیست؟ (آشنایی با دموکراسی)، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران: ققنوس، ۱۳۷۶، ص ۵۵.
- 22- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۱)، مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: انتشارات سمت.
- 23- معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی با همکاری مجموعه حکمرانی مردمی انقلاب اسلامی (۱۴۰۱)، حکمرانی مردمی (تاملاتی در باب جامعه پردازي مردم نهاد و تحول در حکمرانی): انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- 24- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ‌زاده، محمد، ۱۳۹۰، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی سال پنجم پاییز و زمستان ۱۳۹۰ شماره ۲ (پیاپی ۱۰).
- 25- معاونت راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی با همکاری مجموعه حکمرانی مردمی انقلاب اسلامی (۱۴۰۱)، حکمرانی مردمی (تاملاتی در باب جامعه پردازي مردم نهاد و تحول در حکمرانی): انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- 26- بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار با بسیجیان: ۱۳۹۵/۹/۳
- 27- بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران: ۱۳۹۵/۵/۳۱
- 28- بیانات امام خامنه‌ای، در جمع اعضای انجمن‌های اسلامی و مسئولان تربیتی: ۱۳۷۹/۱۲/۸
- 29- بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها: ۱۳۸۶/۲/۳۱
- 30- بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار پنجاه‌هزار فرمانده بسیج: ۱۳۹۲/۸/۲۹
- 31- بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی: ۱۳۷۷/۹/۲۵

32- بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار با اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان: ۱۳۶۱/۹/۴

33- بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی: ۱۳۶۳/۲/۳۱

34- بیانات امام خامنه‌ای، در دیدار با دانشجویان: ۱۳۹۸/۳/۱

سایت‌ها:

1. [/https://www.porseman.com](https://www.porseman.com)

2. www.farsi.khamenei.ir

3. [/https://hmiani.ir](https://hmiani.ir)

4. [/https://www.noormags.ir](https://www.noormags.ir)

5. [/https://www.magiran.com](https://www.magiran.com)

